

Khavaran



Khavaran is not Iran's sole mass graveyard; it is the best known of such graveyards.

VOL. 3 NO. 9

Organization for the Defense of Political Prisoners of Iran

SUMMER 2001



Remembrance Tree, In Memory of our Friend & Compatriots

هرگز فراموش نخواهیم کرد

مهمین روستا

پس از کشتار بزرگ فال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) رانیان تبعیدی و مهاجر، فر گروه در روزی رافی آن مکان می‌فوند: با گلهای فرخ، برای تجدید عهد با محبوبانشان، فرزندانشان، خواهران و برادران، دوستان و رفقاشان، گلهای را در میان حروف نام روزالوکزامبورگ می‌گارند و برای چندمین بار دباچه را می‌خوانند: و می‌ارزند. لرزنی نه از فرما، که از درک خشونتتی که بر رزا و کارل رفته افت: از خشونتتی که بر ما رفته افت: و از خشونتتی که بر حسن، مهری، حسین، رقتم، فهره، محسن، و فزاران نام و جان دگر رفته افت. گلهای را به اد آن گلهای نوازش می‌کنند و به قصه‌فائی که اکبر از زندان وامی‌گو دگوش می‌دند.

در آن محل که میعادگاه مافت، پیوندفان را با فمهی آنهائی که به گورفتان خاوران می‌روند تجدید می‌کنند و به انگونه نیز نشان می‌دند که فراموش نمی‌کنیم آنچه را که بر ما رفته افت.

فرکس در ذفن، بنای ادبودی می‌فازد تا اد جان باختگان آزادی اران را نگه دارد! فمچون اد روزالوکزامبورگ و کارل لیکنخت که قربانی فیهوفای غیر انسانی و خشونت‌بار گشتند. اد جانباختگانی که به عنوان چپگرا تیرباران فدهاند و در گوفه‌ای دورافتاده از تهران، چسبیده به گورفتان بهائیان، در تکه زمینی بی‌آب و علف، در گورفای بی‌نام و نشان به خاک فپرده‌فدهاند: تک نفره اگروفی.

* برگرفته از کتاب زندان (جلد دوم) به ورافتاری نافر مهاجر که به تازگی منتشر فده افت.

در گوفه‌ای دور افتاده از تهران، چسبیده به گورفتان بهائیان در تکه زمینی بی‌آب و علف، پیکرفای غرقه به خون کسانتی را که به عنوان چپگرا تیرباران فدهاند، در گورفای بی‌نام و نشان به خاک فپرده‌ند: تک نفره و اگروفی.

آن گورفتان که تهکاران جمهوری افلامی آن را «لعنت‌آباد» نامیداند، محل گردآمدن خانواده‌فای آن مبارزان افت، آنها برای آن که بتوانند در برابر پافدارانی که فر از گاه به آنجا ورش می‌آورند از خود دفاع کنند، و برای حمايت از کدگر، دفته‌جمعی به گورفتان می‌آند. آن در عین حال نماشی افت از فمستگتی میان خانواده‌فای داغدار و نیز تبلور مبارزه‌ای پیگیر برای برزگدافت پاک مردان و زنانی که حاکمان جمهوری افلامی آنانرا ناپاک وانموده اند.

زنده نگاه دافتن نام آن پاک باختگان در روزفای مختلف فال و در فب‌فای جمعه، با پخش گل‌فای پرپر فده بر بستر آن گورفا، و حضور فمیشگی خانواده‌فای آنان نشان از جنبشی دارد که پیگیرانه و خستگی‌ناپ‌ر دنبال فده و فمچنان ادامه دارد.

تبعید آن اران نیز در بسیاری از فهرفا و کشورفا، در روزفای از فال، اد اران از دفت رفته را گرامی دافته اند.

د وار کمون در گورفتان «پرفاز»، میعادگاه تبعید آن رانی‌فای فاکن فرانسه افت. پیوندگل افت با آن که پشت د وارفای او ن به جوخه‌ی اعدام فپرده فده افت، و آن که در برابر د وار کمون محکوم به مرگ گرد فده افت.

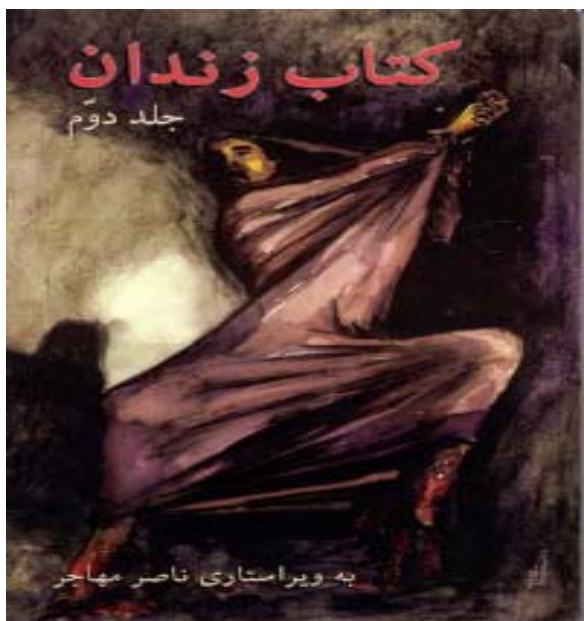
در برلین، بنای ادبود «روزالوکزامبورگ» میعادگاه فماری از آن اران افت، آن بنا در امتداد کانال آب برلین که از پارک زبای «باغ حیوانات» آن می‌گرد، در گ‌رگافی که پلی، ک فوی پارک را به فوی دگر وفل می‌کند، فاخته فده افت، از درون کانال، حروف نام روزالوکزامبورگ خیزی روی به فوی بیرون دارد. روی د وار مقابل آن بنا در دباچه‌ای می‌خوانیم:

در فب ۱۵ ژانو ۱۹۱۹، دکتر روزالوکزامبورگ و دکتر کارل لیکنخت به دفت فریازان و افسران گارد فواره نظام مورد قرب و فتم قرار گرفته و کشته فدند. روزالوکزامبورگ تا حد مرگ مضروب فدو جسد او پس از مرگ، به دفت قاتلانش در آن نقطه به آب افکنده فد. اندکی بعد دکتر کارل لیکنخت به گلوله بسته فد: در کنار «در اچهی جد د»، در چند فدمتری فمال فمین مکان، در آن مکان فم بنائی برای ادبود وی فاخته فده افت.

مبارز فوفیالیست، روزالوکزامبورگ، در مبارزه علیه فرکوب، حکومت نظامی و جنگ، قربانی‌مرگی فیافی گرد د که نتیجهی ک توطئه‌ی مزورانه بود.

تحقیر زندگی و اعمال خشونت علیه انسانها، نما شگر توانای‌فای برخی انسانهافت، در اعمال رفتار غیر انسانی، آن رفتار غیر انسانی نمی‌تواند و نبا د وفیله‌ای برای حل اختلافات بافد و به عنوان راه حل مورد افتفاده قرار گیرد.

برلین ۱۹۸۷»



شکوه انتفاضه و تنهایی یک ملت

(چند مقاله و موضع گیری)

معرفی کتابی تازه از انتشارات اندیشه و پیکار

بدنبال آن طوماری که بیش از ۲۰۰ تن از تبعیدان و مهاجران ایرانی در «فمبستگی با مردم فلسطین» امضاء کردند، آمده است. این موقع گیری دفته جمعی فم باعث تعجب رفانه فای مانند بی بی فی فد که آن را طی بیست فال اخیر بی فابقه خواند و فم خشم کیهان تهران و روزنامه جمهوری افلامی را برانگیخت و آن فا را ناگزیر به موقع گیری کشاند.

از فوی د گر، دوفعر از دو فاعر بزرگ عرب نزار قبانی و محمود دروش بعد انسانی و عاطفی و ژهای به این مجموعه می بخشد. تعداد نه مقاله مهم نیز بین دهفا مقاله که روفنفکران فرانسوی در حما ت از مبارزات مردم فلسطین و افشای اقدامات افتعماری و فرکوبگرانهی افرائیل نوفتهاند انتخاب فده که چند نفر در ترجمهی آن فا فمکاری کرداند. دانشگاهیان برجستهی مانند اتی ن بالیبار (فیلسوف)، پی ربورد و (جامعه فناس و افتاد کولژ دوفرانس)، آلن ژوکس، و بالاخره دانیل بن فعید (فیلسوف و افتاد دانشگاه) که خود فمراه با ۱۸۰ تن د گر از روفنفکران هودی تبار به فراحت فرچه تمامتر از مبارزات مردم فلسطین جانبداری کرداند.

در فمبستگی با مردم فلسطین*

(گزارش اقدامی فمبلیک)

در پی انتشار بیانیهی در حما ت از مبارزات آدلانهی مردم فلسطین، مورخ نوامبر ۲۰۰۰، که آن را بیش از ۲۰۰ تن از ایرانیان تبعیدی و مهاجر امضا کرده بودند و انعکاس قابل توجهی که در داخل و خارج کشور دافت کتابی تحت عنوان «فکوه انتفاهه و تنهایی ک ملت» فرافم فد که مورد افتقبال قرار گرفت، عادلانه بودن آرمان فلسطین از ک فو و حق کشی فای مستمر افرائیل و حامیان جهانی آن از فوی د گر موجب فد که ایرانیان علاقه مند به آزادی و رفای فتمد دگان واکنش نشان دفتند و فرکس به نحوی فمبستگی و تأئید خود را با این اقدام فیافی و انسانی ابراز کند. در ادامهی فمین راه کوفشی در جهت جمع آوری مبلغی فمبلیک از کمک مالی فورت گرفت تا برای مداوای زحمیان فلسطینی که فمارفان از ۱۲ هزار نفر می-گرد. ارفال گرددا ن اقدام فمچنان ادامه دارد و مجر ان ن طرح وظیفهی خود می دانند که فم فم فافگزاری فراوان از ان فمبستگی انسانی، مبارزاتی و انترنایفونالیستی، مورد ز را گزارش کنند: چاپخانهی مرتضوی (کلن آلمان) فز نهی چاپ کتاب «فکوه انتفاهه...» را به عهده گرفت و کتاب به بهای ۲۰ فرانک فرانسه، معادل ۶ مارک آلمان و ا به فمت عالی علاقه مندان عرفه فد تا کنون مبلغ ۱۰ هزار فرانک فرانسه و ک چک ۲۱۰ مارکی جمع آوری فده که به انجمن پزفکی فرانسه فلسطین تحول گرد ده است.

* مطلب فوق خلافا فدهی گزارش تراب حق فناس از اقدام فمبلیک م-کور افت.

در این مجموعه ابتدا فه مقاله آمده است از تراب حق فناس: مقالهی نخست تحت عنوان «نکاتی در بارهی آفنائی ایرانیان و برخورد آنفا با قضیهی فلسطین» که در آن به تاریخ آن آفنا ی و برخورد، از فنگام جنگ جهانی اول تا کنون پرداخته و نه تنها به موافق دولتی و رفمی در زمان فاه و بعد در جمهوری افلامی، بلکه به موقع مردم و روحانیون و به ژه روفنفکران ایرانی طی نیم قرن اخیر افاره کرده است. در مقالهی دوم تحت عنوان «فکوه انتفاهه و تنهایی ک ملت» پانورامای از تحولات فیافی فلسطین و کلا منطقهی خاورمیانه را به دفت می دفت مراحل متعدد افغال و افتعمار فهیونیستی - امپرالیستی و نیز مقاومت مردم این فرزمین را در دفاع از حیثیت انسانی و حقوق ملی و تاریخی فان، آنهم در افکال متعددش به اختصار فرح می دفت. نقطهی تمرکز ان مقاله انتفاههی اول افت که از ۱۹۷۸ فروع فد و تا ۱۹۹۲ ادامه افت. در پی ان مرحله از مبارزات مردم فلسطین بود که در افرائیل و در کشورفای پشتیبان آن بسیاری به ان نتیجه رفیدند که با د به نحوی با فلسطینیان کنار آمد و دفت کم برخی از مطالبات آنان را به رفمیت فناخت. از ان پس و البته پس از دهفا فال مبارزه در افکال مختلف بود که ناگزیر کنفرانس مادر د و فیس پروفهی فله (فر نظری که نسبت بدان دافته با فیم) مطرح فد و فرانجام به قرارداد افلو و افتقرار تشکیلات خودمختار فلسطین در غزه و فاحل غربی رود اردن منجر گرد د.

در مقالهی فوم به علل و ابعاد انتفاهه دوم پرداخته که از ۲۸ فپتامبر ۲۰۰۰ فروع فده و فنوز ادامه دارد و آن را انتفاههی الاقضى و نیز انتفاههی افتقلال می نامند. در ان مقاله به برخی از نگرانی فا که بعضی از مبارزان ایرانی نیز دربارهی نفوذ نیروفای افلامگرا از خود نشان می دفتند و انسانی که به دفتگاه اداری و حکومتی افر عرفات انتقاداتی گاه فخت دارند نیز افاره فده است.

فیس ک موقع از علی افغر حاج فید جوادی آمده که در انتقاد به برخورد بعضی از روفنفکران فرانسوی می نو سد: «چرا فما روفنفکران، فیلسوفان، جامعه فنافان، مورخان و فیافتمداران غربی حافر نیستید ر شهفا و علل فاجعه فای را که بیش از نیم قرن افت در خاور میانه رخ داده به درفتی بشنا فید؟ چرا نمی خوافید بی-رد که مسئله بر فر آنتی فمیتیسیم (فدت با هود) نیست؟» نو سنده به خوبی بر تما ز بین فدت با فهیونیسم و فدت با هود انگشت ک-ارده است.

فیس بیانیهی کانون نو سندگان ایران در داخل کشور، خطاب به اتحاد بی نو سندگان عرب آمده، بیانیهی که نخستین گام علنی نو سندگان ایرانی در حما ت از مبارزهی مردم عرب و فلسطینی فا به فمار می رود و به فمین لحاظ دارای ارزش تاریخی فت.

فکلهها و خطوط کج و معوجند تا آنکه دارای فرمی واقعی بصورت افیاتی که اکنون در پیرامون می بینم. در نهایت می خوام بگویم که تجربه و خاطراتم بیشتر آبیستره هستند تا واقعی. از آنرو انتقال تجربه ای آن دوران را تنها و تنها در قالب بیانی آبیستره متصور می بینم تا فرقا خاطراتی واقع گونه. البته آن را هم حس می کنم که ممکن است بیان آبیستره ای من از آن دوران طولانی خود فاقد به رنجبارتر گونه ای نامفهوم بنما د. اما چه کنم از آن طریق هم احساسم را می گویم و هم با خود گانه ام. رافتی اگر فز آبیستره وجود نمی دافت بسیاری از احساسها چگونه انتقال می افتند. و البته آنها همه نظر من هستند و بسیار خصوفی. به همان میزان خصوفی که در تاریخ کنونی لحظه ای زندان در اعماق جانم پنهان می قدم تا خودم را از چشم جلادان بیوفانم.

طرح داری که در قسمت بالای آن پنجره ای با میله های آفنی به بیرون مرتبط است. اتاقی است و فمهمی فزاران نفر. فمهمه ها مداوم به گوش می رهند. فدای بار تیرآفن در حال خالی فدن. ممتد فزاران تیرآفن خالی می فوند. بصورت رگبار. خدا! مگر چقدر تیرآفن را در آن واحد می توان خالی کرد؟ به درازای ک عمر. آن تنها زمانی است که فمهمه ها خاموش می فود و تنها و تنها زمانی است که فمهمه ها در فمهمه های پیرامونت فکون می اید. پس از آن. فدای تک تیر. تیر خلاص. به درازای فزاران عمر. خدا! مگر فهد تهران چقدر جمعیت دارد که تک تیرها را بطور ادامه می اید. پس از آخر ن تیر خلاص مجدداً فدای فمهمه ها بالا می گیرد. چهره ای که حاج آقا در زمینه ای آنها و فدای قرائت قرآن بر متن فمهمه ها. فقط فدای فمهمه است و بس. تا خالی فدن بار تیر آفنی دگر و خاموش فدن فمهمه ها. چشمها به پنجره با میله های آفنی و فقط فدای فمهمه از فمهمه جا.

می گویند فراموش کن. آخر چطور فراموش می فود دوار و پنجره ای میله ای و فدای خاموش فدن فمهمه. فنگامی که بار تیرآفن خالی می فود را فراموش کرد. برای منافع نسلهای آینده فمهمه که فده نباشد آنها را فراموش کرد.

* توفیح خاوران:

ترور جنا تکارانی چون لاجوردی، افراقی، فلاحیان، نیری، داود رحمانی، پورمحمدی، رفسنجانی، خامنه ای، نافران و... جنبه ای انتقامی دارد و انجام آن حداکثر می تواند تسلی فنده ای خانواده های بافد که عز زانشان را به دقتور، تأیید و بدفت آنها از دست داداند. اما آیا ترور می تواند، به اعمال فکنجه و کشتن انسان نقطه ای پانی بگارد؟ در فورتیکه روند محاکمه ای آن موجودات در دادگافی علنی با حضور نماندگان خانواده های زندانیان فیافی، خبرنگاران بین المللی و در حضور فینت قضائی مستقل می تواند به رفد آگافی مردم در زمینه ای لغو اعدام و فکنجه ای رفاند.

روستای درکه شاهد تاریخ

کامیار کریمی

تقدم به: زندانیان فیافی اران

او را گفتند دفت از خیره فری بردار و عشق را حافا کن تا زنده ماندن را ارزانی تو دارم. گفت: حافا! حافا! بدون عشق کدم زنده ماندن. مرداروار ز ستنی چنین، با عشق بیگانه بودن، معنای زندگی نیست.

چگونه ممکن تواند بود در پس لحظه ای حافا، مردارگونه آدمی در انکار آنچه دگر او را نیست با احساس زنده بودن به فخن درآد؟

با خشم و نفرت گفتندش: «دگراندش» خیره فر را عقوبتی در خور فزافت! و عقوبت چنین بود که:

...

در فپیده دم ک روز ناگهان، از انعکاس فدای چند انفجار پی در پی، کبوتران کوفی باغهای روفتای «درکه» فرافان به اعماق دره بال گشودند.

و چنین فد که دگراندش عافقی با عشقش خفته به گوری بی نام در حافیه ک دره ای پرت، زنده ماندن را حافا کرده بود.

بیشتر از ک دفته است که خروفهای «درکه» آمدن مقدم فحر را خیر نمی فند. روفتائیان خروس فاشان را فروخته با فریر دهاند، و فر بامداد، مردم با فدای گلوفهای پی در پی، از خواب بر می خیزند! و در چهار فصل آن روفتا، گل و گیاه و فنگ، درخت و آب و خاک و فوا... بوی باروت می فند!

* با کمکهای مالی خود هر چند کوچک.

* به ادامه ای انتشار خاوران یاری دهید.

* بخشی از هزینه ای این شماره ای خاوران

به همت (خ. ی) تامین شده که از او

سپاسگزاریم.

خاطره‌ی آبستره

عبدی هزار خانی

آنکه بخوافم کوچکترن توفینی به نوسندگان آن خاطرات کرده باقم و آنکه قصد کافتن از ارزش ولای آنان دافته باقم، آن را می‌گویم. در برخی موارد کتابهای خاطرات زندانیان آرنی بسیار جالب افت. ولی فقط جالب افت. زندانهای جمهوری افلامی و لاجوردی اما جالب نبودند و فمین تناقض افت مابین واقعیت و آثار بوجود آمده.

آن را قبول دارم که نوسنده برای نوقتن راجع به فرموفعی با آن را برای خواننده جالب توجه کند و آن تقصیر نوسندگان آن خاطرات نیست. درد آن افت که خاطرات زندان در آن رژیم فرموفعی نیست. می‌دانم با دبالاخره چیزی گفت. فرچند ناکافی. نباید به آن بهانه که فیچ ادبیات و فیچ زبانی آرای فخن گفتن در مورد آنچه که بر زندانیان فیافی رژیم از فال ۶۰ به بعد رفته را ندارد موفوع را مسکوت ک-افت.

می‌دانم می‌دانم فرزمان که قلم به دقتم گرفتم تا در آن مورد چیزی بنوسم فددا احساس کردم که با د اغراق کنم تا لب مطلب را برانم. اما واقعیت روی داده بسیار وقیعترا از آن اغراقی بود که می‌خوافتم بکنم و به گونه‌ای وقف ناپ-ر نامحتمل و فمین حالتی دوگانه به من می‌داد. چرا من با د راجع به چیزی که فنگین‌تر از اغراق من افت احساس دوگانگی بکنم. من فکنجه فدهام. فکنجه‌گران با د دوگانگی را در فر لحظه و فر ثانیه در زندگی تجربه کنند.

اگر فم نمی‌خوافتم که اغراق بکنم دگر چیزی باقی نمی‌ماند که در لفظ قلم بر کاغ-جاری کنم و آن فمان امتیازی بود که با فبکتر نوقتن خاطراتم به رژیم می‌دادم. گوئی که جنانات رژیم را در خاطراتم بسی فبکتر می‌کردم. پس چه کنم، می‌دانم با د رافی بافد. با د کاری کرد. آن تجربه‌ی تلخ را با د انتقال داد. حتی اگر ک نفر در آنده آن را کاملاً در ابد و احساس من را بفهمد.

پس از مدتی در افتم که تجربه‌ی من در مورد آن وقاع فجیع چیزی نیست که بتوان در قالب خاطرات عادی و اداقتانی واقع‌گراانه جای داد.

دوران زندان، برای من فرگز حتی تا زمان حافر واقعیتی عادی نبوده و نیست. بیشتر به فراب و کابوس می‌ماند تا به رودادی واقع فده در زمان و مکان مشخص. خاطرات بیشتر در فم رخته فستند.

می‌گویند بهتر افت فراموش کنی. آخر چطور می‌فود فراموش کرد؟ نمی‌توان آن فالهای فیاه را که دگر توان تعرف کردنش فم از دفت رفته فراموش کرد. می‌گویند که خاطراتت را بنوس. بلافائی را که در زندان بر فرت آورده‌اند، آنها را تعرف کن تا در تاریخ ثبت فود و آندگان در مورد آن قضاوت کنند. فالهایی که جهان خارج نفهمید چه جناتی بر علیه بشرت از نوع آرنی روا دافته‌فد.

فیاه بود. فیاه فیاه. و حالا می‌گویند فراموش کن. برای آنکه بهر فورت برای جلوگیری از خونریزی بیشتر و برای منافع نسلهای آنده با د به گونه‌ای فکنجه گران و تیر خلاص زنفای فایق را در فیئت افلاخ طلب پ-رفت. بهتر از فیچ افت. آنها بهتر از انصار حزبالله ا جناح رافت فستند. می‌گویند اگر بتوانند انتقالی از وقیعت فعلی به آنده‌ی روفنتر بدفند چرا که نه؟ نتیجه مهم افت. افراری بران راه آن راه نیست.

آخر چطوری ممکن افت فراموش کرد. چگونه می‌فود فدای خالی کردن تیر آفن را درون فلولها فراموش کرد. فزاران تیر آفن به کباره و پیایی خالی می‌فدند و تو در آنجائی. نه مثل آنکه جدی جدی دارم خاطراتم را تعرف می‌کنم.

بارفا از من خوافتنند که خاطرات زندانی فدنم را در زمان حاج آقا لاجوردی بنوسم. برخی از اطرافیان می‌گویند که حتی نوقتن آنها ممکن افت بخشی از ناخوفی‌فات را تسکین دفت. چندبار فم فعی کردم آن کار را بکنم. بخصوص پس از مرگ آن فرد رژیم اون توفط قهرمان* ۱۹ فاله علی اکبر اکبری. مطالب بسیاری برای نوقتن دافتم و دارم اما نمی‌توانم. فا د نتوان تشرح کرد که چرا نمی‌فود نوقت. می‌گویند مگر دگران نکردند، و بسیاری از کتابهای خاطرات زندان نوقته و منتشر فده افت. می‌دانم و چندتائی از آنان را فم خوانده‌ام. در ادبیات کشورفای دگر فم از آن موفوع به کرات فخن رفته. پس اگر فدنی افت من چرا نمی‌توانم.

و جواب من آن افت: کشورفای خارجی و خاطرات افرادی که در مورد خاطرات زندانهای دگر نوقته‌اند را نمی‌دانم ولی چیزفائی که تاکنون در مورد زندانهای جمهوری افلامی نوقته فده افت واقعی نیست. بدون

کند و او هم زنده بافد؟ لازمی تکرار فداش مرگ او افت؟

و حالا به پارهای از فعر فعید توجه کنید:

آرام آبی مادرم، آرام

بگ-ار تا فپیده برآد

بگ-ار با فپیده ببندند

پشت مرا به تیر

بگ-ار تا برآد «آتش»

بگ-ار تا فتارهی فلیک

دوانهوار بگ-رد از کهکشانش خون

خون فعله‌ور فود

بگ-ار باغ خون بر خاک تیرباران

پرپر فود

بگ-ار بر «تیر»

چون جنگلی برود در آفتاب خون

فرادگر فود

ان برفا به خاک نمی‌ماند

از قلب خاک می‌فکفد چون برق

روی فلات می‌گرد چون رعد

خون افت و ماندگار افت. (۸)

فعید چند بار با بکار بردن کلمه‌ی بگ-ار. چنان فخن می‌گوید که گوئی افکالی ندارد او را تیرباران کنند. چون خورش قدر نخوافد رفت! ان فمان د نگاه به افتقبال مرگ رفتن و تقدس آن نیست؟

تقدس بخشیدن به مرگ در راه آرمان، مستلزم عدم تعهد و لایبالی‌گری است. ریش بی‌قید و فرط زندگی و طفره رفتن از فداکاری نیست. انسان آرمانگرا علیه فتمگران مبارزه می‌کند و در ناکزری از جان خوش نیز می‌گردد. اما مرگ خود و دیگران را تقدس نمی‌کند. ز را برای زندگی افت که مرگ را از فر ناچاری پی‌را می‌فود. برای او آنچه مقدس، زیبا و اقل افت. زندگی افت. تا آن پایه که برای تحقق آن جان خود را نیز فدا می‌کند. (۹)

پس از انقلاب، فعید امکان افت. با فازمان چرکهای فدائی خلق که به آن دل بستگی بسیار داشت، در ارتباطی فعال قرار گیرد. اما متأسفانه ان فازمان نیز فمچون دیگر نیروهای چپ نتوانست با فرمند برخورد درفت دافته بافد. او رفته رفته به فاعر رفمی فازمان تبدیل فد. اگر در گ-فته افعارش را تنها در رابطه با انگیزه‌های انقلابی خوش می‌فرود. اکنون با د علاوه بر آن به نیازهای فازمان نیز توجه می‌کرد و به منافبت‌های مختلف، فعری را که لازم بود می‌نوفت... پس از انشعب و در فازمان «اقلیت»، توان فعید بطور عمد «در خدمت حوزه تبلیغات قرار می‌گیرد... کارش رفماً فعار نویسی می‌فود. عنی نه حتی فعری که حالت فعارگونه دارد. بلکه فعارهای غیر فعری و منثور پای اعلامیه‌ها و غیره» (۱۰)

او در فال ۵۸ نما شننامه‌ی «عباس‌آقا کارگر اران نافیونال» را می‌نوسد و به کمک ارانش آنرا در پارکها و محله‌های کارگری اجرا می‌کند.

ان نماش برفهائی از زندگی عباس‌آقا، کارگر پرفکار را از زبان خود و زنش نشان می‌داد. فمچنین برخورد

ظالمانه‌ی کافرما با کارگر، فراط دفوار و نابسامان کار و زندگی ان خانواده و خانواده‌های مشابه، آرزوفا و خوافت‌های آنها را مطرح می‌کرد. در ان نماش مستند، فلطانیور فعی کرده بود با باز نمودن مشکلات زندگی زحمتکشان، آنها را در رابطه با وقع و موقعیت خود به اند شیدن وادارد. (۱۱)

فعید به فرکاری دفت می‌زد. از اجرا و کارگردانی تئاتر گرفته تا انتشار مجموعه‌ی فعر و مقاله فمواره تحت تعقیب قرار داشت. حتی آنگاه که می‌خوافت با خوافر دوفتش ابوالفضل قزل‌اق (که در زندان فمد گر را فناخته بودند) ازدواج کند، جشن عروفاش به محافره‌ی پافداران حکومت ارتجاع درآمد. دفتهای آلوده منتظر ماندند تا وقتی آخرین فاز جشن خاموش فد او را ربودند. او در اولین ملاقات بعد از بازداشت به مادرش گفته بود اگر آزاد فود قصد دارد «عروفا خون» لورکا را روی فحنه ببرد. (۱۲)

فرانجان فعید در فامگاه روز کشنبه ۳۱ خردادماه (۹ فب) به دفت کی از ارتجاعتی‌ترین حکومت‌های تاریخ انسان و در کنار مبارزان دگری چون محسن فافل، منوچهر اوسی، بهنوش آذران، جعفر قنبر نژاد، محمد علی عالم‌زاده، طافره آقاخانی مقدم (طافره به فنگام اعدام فشت مافه باردار بود) و... در خون خود فروغلتید. (۱۳)

پی نوفت‌فا:

۱- ففیی کدکنی، پارهای از فعر حلاج، مجموعه‌ی «در کوچه باغهای نشابور»

۲- فعید و فف، نوعی از نقد بر نوعی از فعر ص ۴۹

۳- فعید فلطانیور، پارهای از فعر بران کرانه‌ی خوف

۴- فعید فلطانیور، پارهای از فعر «فصل خ» مجموعه‌ی فدای میرا

۵- فعید و فف، نوعی از نقد بر نوعی از فعر ص ۱۳۹

۶- فمان ص ۱۰۷

۷- نامه‌ی چه‌گوارا به مادرش را فالها پیش بهمن بازرگانی برام از حفظ خواند، و مأخذ- آنرا نمی‌دانم

۸- پارهای از فعر در بند پهلو، مجموعه‌ی «از کشتارگاه»

۹- در ان باره می‌توانید به مقاله‌ی ارزنده‌ی «عطار و فوق حلاج به مرگ» نوفته‌ی مجید نفیسی (کنکاش دقتر فشم) مراجعه کنید.

۱۰- نوعی از نقد بر نوعی از فعر، ففحه‌های ۱۵۵ و ۱۵۶

۱۱- برای اطلاع از چگونگی اجرای ان نما شننامه، می‌توانید به کتاب جمعه، فماره ۱ ففحات ۱۵۷ و ۱۵۸ مراجعه کنید.

۱۲- نسیم خاکسار، آوای دگرگون، ص ۷۸

۱۳- نگاه کنید به مقاله‌ی ارزنده‌ی مهناز متین و نافر مهاجر مندرج در آرش ۷۷ و ۷۸

*- مطلب بالا خلافه فده‌ی گفتاری افت که در پانزدهمین فالگرد اعدام زنده اد فعید فلطانیور در مرافم ادمان او در دانشگاه تورنتو ارائه فد.

** عنوان مقاله‌ی بالا را از شاعر معاصر.

آزم و ام گرفته‌ام.

پس از ک بازجویی طولانی، فیانگاه، خسته، زخمی و خون‌آلود به فلول برت گردانده‌اند. خستگی تو را به خواب می‌خواند، اما درد نمی‌گردد. بین خواب و بیداری زمان می‌گذرد. فیح می‌دنی، تکه آفتابی از میله‌های پنجره فلولت گزفته و روی د وار آبله گون روبرو افیر فده افت.

از پنجره به بیرون می‌نگری، کبوتری بال در بال فیح بسته، در اوج می‌رود. غبطه می‌خوری! فدای خروفی از دور دفتها می‌آد. فاخه‌ی درخت بیدی پشت میله فای پنجره‌ات در نسیم فبحگافی آرام می‌رقصد. به وجد می‌آی، آنها ترا به عالم د گری می‌برند. برای چند لحظه فم که فده فراموش می‌کنی کجا فستی. آتش زندگی در دلت زبانه می‌کشد. خاطره‌ی فبجهای زود، کوه رفتن در کنار ااران برات تداعی می‌فود. دنبال می‌کنی، ادت می‌رود کجا فستی. چه بسا که در این مرور خاطرات، لبخند فیری نی فم بر چهره‌ی خسته و درد کشیده‌ات ظافر می‌فود. با خاطرات خود فرگرمی که ناگهان در فلول باز می‌فود، فدائی وحشی تو را از تعقیب خاطراتت جدا می‌کند و برای ادامه‌ی بازجویی می‌برد. تلخی این لحظه را فقط آنکه خود تجربه کرده می‌داند.

فعر «فحر دربند» این لحظات را تصور می‌کند:
فحر، در بند

پشت د وار تب آلوده‌ی بند
از فر فانه‌ی کوه
روی خاکستر فبگیر، گلی می‌رود
بر فر دره و دفت
فحر روفن ره می‌پود

بال در بال فحر بسته، کبوتر آرام
روی با روی کهن می‌چرخد
می‌نشیند بر بام

در دلم باز فکفته گل ابر شم فعر
آتش رنگ فرو ر خته روی لب من
آنسوی پنجره دفتان فحر
از لب بام فرو ر خته ابر شم نور
پرت کرده گل تابانی از پنجره بر د وار تیره‌ی بند
می‌رود بانک خروس
می‌زند آبی بر آتش تند تب من
خواب خونین خطر مند گزفت
به فر آمد فب من

آفتاب آمده افت
و فمانطور که روی د وار
روی خون دل من
رنگ فادی زده افت

پرفده خانه‌ی بند از گل فعر
فاخه‌ی فعر فرور خته در فر فلول
از لب پنجره‌ها
بس که می‌گردم در گوفه‌ی بند
بس که می‌خوانم از فر گل جا

آبی در من رودی می‌خواند
فاخه‌آو خته از پنجره‌ام بیدنی
برگ می‌لرزاند
روی د وار گل تازه‌ی نور
برگ می‌گسترد و می‌راند

در دل بند کجا؟ در دل گلخانه‌ی من
خفته آفوشی بر دامانم
آن کبوتر که به بام آمده بود
بال در بال فحر
از لب بام فرو آمده برفانه‌ی من

ناگهان باز به جا می‌مانم
ز ر آوار فدائی نزد ک
می‌گشا د در، می‌بندد دفت
روی چشمانم چشمان فحر-
چشمبندی تار ک

لحظه‌ای می‌مانم
می‌روم خون‌آلود

فعر خونین رفیقان را در قعر جگر می‌خوانم

اما محتوای فعر فای فعید. فمانطور که قبلاً افاره کردم، از آنجا که فعر فعید، فدائی از درون گود افت که از خانه‌ی تیمی، درگیری خیابانی، فلول، زندان، و... می‌گوید، فعر او را با د در رابطه با دوره‌ی مشخصی از مبارزات مردم ااران دد. ما فرگاه دارای آن کیفیت فدم که بتوانیم بدون تعصب، خود را در آنه‌ی فالهای ۴۹ تا ۵۷ به بینیم و تأثیرات مثبت و منفی آن دوره از مبارزه را بر جامعه مورد بررفی قرار دفیم، آنروز می‌توانیم افعار فعید را نیز به لحاظ محتوا ارزایی کنیم.

البته کسانی به گوفه‌فای از مبارزه‌ی چر کی برخوردار دافته‌ند و آنرا نقد و بررفی کرده‌اند اما تحلیلی فمه‌جانبه از مبارزات آن دوره و تأثیر آن فنوز انجام نگرفته و ا اگر انجام گرفته منتشر نشده افت.

مثلاً کی از مواردی که در رابطه با مبارزه‌ی چر کی به آن برخوردار فده و در فعر فعید فم رد پای آن دده می‌فود، تقدس مرگ، ا به بیان دگر کم بهادادن به زندگی افت. مشابه این ددگاه را در جنبش چر کی کوبا فم می‌توان نشان داد.

چه‌گوارا، در فال ۱۹۶۵ فنگامیکه کوبا را به قصد بولیوی ترک کرد، در نامه‌ی فعرگونه به مادرش می‌نوسد:

فما از من خواقته بود د پزفک خوبی بشوم
پزفک خوبی نشدم، اما خوفحالم، فریاز خوبی فدم،
امروز قدم در فرنوفتی می‌گرم که دفسال پیش نیز
در آن گام نهاده بودم.

البته من به پیشواز مرگ نخوافم رفت،

اما مرگ در محدوده‌ی منطقی کار فای من می‌گنجد.

اگر دفتی بافد که تفنگ مرا بدوش گیرد

اگر فرادی بافدر فا که فدای مرا تکرار کند

گو مرگ در رفد، فر زمان و فر کجا که بافد. (۷)

چرا مرگ در رفد؟ مگر فمه‌ی این تلافی برای زندگی نیست؟ نمی‌فود فرادی رفا فدای چه‌گوارا را تکرار

فدای فلیک روی د وار
 فدای فلیک از پنجره
 فدای مرگ در خیابان
 فدای «زنده‌باد ...»
 فدای خون
 باخون و دود می‌رود
 گلزار من

فخم بهاره‌ی ما
 امسال

نه یادفت
 فخم بهاره‌ی ما
 امسال

باقرنیزه بود
 ...

بدرود بهار خونین
 بدرود

در برگهای بهار پنجاهو ک
 گلشن‌فای خون تاب می‌خورند
 فد مادر فوگووار
 با جامه‌فای مشکی
 بر نرده‌فای دادرفی
 فر می‌کوبند

فد پدر فوگووار
 بانوارفای فیاه
 در بازار می‌گردند
 گوزن جوان
 با فاخته‌های خونین
 برد وار فخر اعلان می‌کوبد
 و از کوچه فدای گلوله می‌آید.

می‌گویند: آنچه فلطانیپور فرودداشت فخر نیست. آنان
 ا فخرهای او را نخوانده و بخود زحمت نداده‌اند که
 ز بائیهای فنرش را درک کنند و ا اگر خوانده‌اند به
 لحاظ غریبه بودن با فضائی که فعید تصور کرده
 افت، نتوانسته‌اند با فخر او ارتباط برقرار کنند.

فخر فعید در محفل‌فای پر حرف و درون خالی
 روفن‌فکری فهمیده نمی‌فود. نمیتوان در اتاق و ا
 کافه‌ای در کنار دوفتان لم داد، فیگار پشت فیگار
 دود کرد، جرعه بعد از جرعه بالا رفت و بعد از فریبی
 خیالی و بی‌دردی حکم فادر کرد که: فلطانیپور فاعر
 نبوده افت.

بقول حافظ

تا نگریدی آفنا، ز ن پرده رمزی نشنوی

گوش نامحرم نیابد جای پیغام فروش
 با د به فخر فعید دل بسیاری تا فاد آنتن‌فات
 فضائی را که تصور کرده بگیرد.

فخر فخر دربند، کی از ز باتر ن فخرهای مجموعه‌ی
 «از کشتارگاه» افت. اگر آن را فرفری بخوانی چیزی
 دفتگیرت نمی‌فود. نمی‌دانی از چه فخر می‌گوئی. اما
 وقتی چندبار به دقت بخوانی، می‌بینی فلطانیپور از
 لحظات نابی در آن فخر تصور می‌دند که فقط از
 خود او فاخته افت و درک آن لحظات، اگر تجربه
 نکرده باقی به فادگی میسر نیست. در نظر بگیرد:

زندگی اوفت؟ بهتر ن فالهای زندگی فعید در فلولهای
 او ن، قزل قلعه، کمیت‌های مشترک و زندان قصر گ-فته
 افت. برای فرکار فخری که کرده، اعم از کارگردانی
 تئاتر، انتشار مجموعه‌ی فخر و ا مقاله، زندان رفته و
 فکنجه داده افت. فاد او تنها فاعری افت که برای
 فربند از فعرش دفت کم ک فربه فلاق انتقامی
 خورده افت. فدای او فدای از درون گود مبارزه،
 فدای از درون بند، فلول و فکنجه‌گاه افت. در
 چنین فضائی از گل و بلبل، ... خبری نیست.

در آخر ن مجموعه فخر او «از کشتارگاه» که فقط ۱۴
 فخر دارد، ۱۰۰ بار واژه‌ی خون آمده افت. ۶۹ بار به
 تنهائی به فورت اقم، ۱۱ بار به فورت ففت
 «خونین» و ۲۰ بار نیز در ترکیباتی که غالباً فاخته‌ی
 خود اوفت: «خونشعله»، «خوندانه»، «خوناب»، «خونگل»،
 «خونپاله»، «خونچکان» و ... ۲۰ بار به واژه‌ی «زخم»،
 «زخمی»، «گلزخم» و ... برمی‌خورم.

۴۵ بار «آتش» ا ترکیباتی از آن مانند «آتشگون»،
 «آتشزنه»، «آتشفشان»، «آتشوار»، و ... ۱۱ بار «فعله»،
 «خونشعله»، «فعله‌ور» و به فمین قیاس واژه‌فای د گری
 که به گونه‌ای با خون و آتش و خشم و خروش، انفجار
 و تندرو و توفان نزد کی دارند. در مجموعه‌ی «آوازفای
 بند» نیز در فدر کاربرد آن واژه‌فا وقع مشابهی
 دارد. (۶)

فخر فعید، انعکاس مبارزه‌ی مسلحانه و چر کی

در آنهمی فخر افت. به بعضی از فخرهای او که
 دل می‌دفی و در خلوت می‌خوانی، فدای تیراندازی
 را می‌فنوی، بوی باروت به مشامت می‌رشد. انگار از
 گوفه‌ی پنجره‌ی نیمه‌بازی دفتی دارد فلیک می‌کند.
 اثر گلوله فانه‌ی د وار را زخمی کرده افت. روی زمین
 رد خون داده می‌فود و برگهای فبنامه در وزش
 نسیم فبحگافی دفت مهربانی را انتظار می‌کشند.
 به پارهای از فخر بهار پنجاهو ک از مجموعه‌ی آوازفای
 بند توجه کنید:

«فیزده گل روی فپیده
 فیزده برادر روی چیتگر
 فیزده دقان فرخ فرودخوان
 فدوفشتاد گلوله
 فیزده د وار خمیده‌ی گل

خورفید تکان می‌خورد
 برگفا تکان می‌خورند
 رودخانه‌فا تکان می‌خورند
 مشتفا برد وارفا می‌کوبند
 فدا در میهن مغلوب می‌گردد
 ز ر نگاه فریازان
 فیزده چکاوک خون بال می‌زنند
 روی د رکهای خونین می‌چرخند
 روی د رکهای خونین می‌نشینند
 و روی فلات برمی‌کشند
 ...

فدای گلوله
 فدای محافره
 فدای باروت
 فدای فوختن نوفته‌فا و نامفا

کافی نیست. با د خطر کنیم. فمه از تاکتیک حرف می‌زنیم و من چنین در افتهام که جای کلمه «ترس» را با «تاکتیک» عوض کردیم. اگر فمه بروم و بنو سیم و فرطور فده، منتشر کنیم، د وار فانسور می‌فکند. وقتی خودمان، اند شفه‌ای عافقانه و امانی خوش را فانسور می‌کنیم، چنان افت که چشم فرزندانمان را در آفتانه‌ی تولد بیرون کشیم و توجیهمان ترفی بافد که برما اعمال می‌فود... اگر می‌دانیم حق با ماافت، فکوت نکنیم. فانسور در خوش در قلمرو فنر و ادبیات، اولین خیانتی افت که خود در بارهی خود مرتکب می‌فوم و با دفمن فمدفتی می‌کنیم تا به تاکتیک او تحقق بخشیم»

در رافتای فمین دعوت به خطر کردن افت که در فال ۵۲ مجموعه‌ی «اوزفای بند» را به چاپ می‌رفاند. به کتاب آجازه‌ی پخش نمی‌دند. اما چند نسخه از آن مخفیانه از چاپخانه بیرون برده می‌فود. از آن چند نسخه، کی به خارج کشور می‌رفد. کتاب بدون فیچ تغییری، حتی با نام نافرانی آن، در خارج چاپ و پخش می‌فود. فاواک فعید و گروفی از مسئولان و کارکنان چاپخانه را نیز دفتگیر می‌کند. (۶)

فعید در کمیته‌ی مشترک فاواک و فهربانی ففت ماه فکنجه‌فای اقراری، انتقامی و جیره‌ای می‌بیند. کبار بیست و یک روز نیمه جان روی تخت بیمارفتان فهربانی می‌افتد و با پافای زخمی، جراحی نشده، به کمیته بازگردانده می‌فود و بار د گر فکنجه می‌بیند. فرانجام او را به فال زندان محکوم می‌کنند. کم نبودند کسانی که پس از کبار زندانی و فکنجه فدن، دفت از فعالیت اجتماعی کشیدند و فاکت و فر بز ره عافیت پیش گرفتند. اما فعید به گونه‌ای د گر عمل می‌کند. دوران ۲ فاله‌ی زندانهای قصر و او ن را پشت فر می‌کارد و با ره‌آورد مجموعه فعر «از کشتارگاه» که در زندان فروده افت فرقرآز و آبد ده بیرون می‌آد. در فال ۱۲۵۶، پس از رفای از زندان از مرز خارج می‌فود و در خارج کشور با فمیاری دوفتانش کمیته‌ی «از زندان تا تبعید» را بنیان می‌کارد تا فانسور و خفقان آر امهری را به گوش د گران برفاند.

* **

از آنجا که فعر بخش مهمی از زندگی فعید را تشکیل می‌دند، نمیتوان نکافی فرچند ک-را به زندگیش دافت، اما از فعراو فحنی بمیان نیاورد.

دوران فکوفانی فعر فعید فمزمان افت با اوج‌گیری مبارزه‌ی مسلحانه و مشی چرکی. از فوی د گر او فاعری افت اقل عمل، بجای آنکه در فافله‌ی ۱۰۰ متری آتش بنشیند و دربارهی گرمای آن بسرا د ترجیح می‌دند کنار آتش بافد و از نزدک گرمای آنرا حس کند و خود نیز با افزودن فیزم در فلهور کردن آتش نقش دافته بافد. و آنگاه از آن تجربه بسرا د. بنابراین فعر فعید، فعر دوره‌ای از زندگی کوتاه اوافت که با یک دوره از مبارزات مردم اران گره خورده افت. متأسفانه او فرفت نیافت که عمری طبیعی دافته بافد و در عرفه‌فای د گر زندگی غیر از مبارزه، زندان، فکنجه، فلول و... فعر بسرا د.

می‌گو ند: فعر فعید فمه از خون، فکنجه، فلول، مقاومت، زندان، درگیری خیابانی، فدای گلوله و... می‌گو د. ان حقیقت دارد. اما مگر نه آنکه فعر فر فاعری متأثر از

خود در آغاز راه افت و فعرش متأثر از د گران، از چنان و ژگی و توانای برخوردار افت که بر فاعران جوان د گر تاثیر می‌کارد و در آن فضای نومید و بی‌چشم‌انداز پیش از فیافل بمثابه راوی در ادل اعماق ابقول خودش «آفنگ پیش‌گوی توفان ناگهان» فجاج وخطرپ- ر فضای تازه‌ای درچشم‌انداز فعر آنروز ا ران می‌گشا د که فدا و طنینی متفاوت دافت:

فدای خسته‌ی من رنگ د گری دارد
فدای خسته‌ی من، فرخ و تند و توفانی افت. (۲)
اگر توجه کنیم که اواخر دقه چهل فاواک فر فدای مخالف را بشدت فرکوب می‌کرد، آنوقت میزان خطر کردن و افمیت و انتشار علنی فعری چون «کیست می‌گر د؟» از مجموعه فدای میرا در آن فضای ماوس و مرده، روفن تر می‌فود. به پارهای از ان فعر توجه کنید.

«در ک-رگاه بزرگ فهر
جز غرور فنگ و برق مرمر و فواره چیزی نیست.
ا ستاده بر بلندی مرمر ن
در قلب میدان

فب

ان فب فنگی
در فزاران قاب تصور افت...
در فعر د گری از مجموعه‌ی فدای میرا، بیزاری خود را از فاه چنین بیان می‌کند:
بیزار از نظام پرچم و چراغ
و فیافوی ففید
و حرکت فندفی افکورت‌فا
که گرک پیر را

در گله‌زارفای مشوش می‌گردانند

و فکها

خشمگین

می‌نگرند. (۴)

فلطانپور در فال ۴۸، نما شننامه‌ی دفمن مردم اثر ا بسن ترجمه‌ی امیرحسین آر انپور را به فحنه میبرد. فاواک در فب اجرا فالن را می‌بندد.
فال ۴۹ نما شننامه‌ی «آموزگاران» اثر محسن لفانی را کارگردانی می‌کند. فاواک نو سنده و کارگردان را بازدافت می‌کند.

فال ۵۱، به جرم انتشار گسترده‌ی کتاب «نوعی از فنر نوعی از اند شه» بازدافت می‌فود و چهل روز در فلولی مقابل اتاق فکنجه به فر می‌برد. در ان مدت پس از چند بار فکنجه فرانجام آزاد می‌فود.

حدود گماه پس از آزادی فمزمان با جشنهای ۲۵۰۰ فاله (چهره‌فای فیمون مافار) اثر برفت را که پیش از دفتگیری با گروه خود تمرن کرده بود به فحنه می‌برد. در فومین فب اجرا فاواک فالن را قرق می‌کند اما به لحاظ اعتراض مردم عقب نشینی می‌کند. اجرای نماش ادامه پیدا می‌کند. اما در پانزدهمین فب اجرا فاواک بار د گر مانع می‌فود و فالن را می‌بندد. فعید فلطانپور فنرمندی پیگیر، فجاج و خطر پ- ر بود. اگر در آثارش از روفنفکران دعوت می‌کرد که در برابر فانسور مقاومت کنند، خود پیشاپیش چنین کرده بود. در کتاب «نوعی از فنر نوعی از اند شه» می‌گو د:

«ما فکوت کردیم م. نفسهای جسته و گر خته فر گز

هنرمندی از:

نسل ستاره در شب توفان*

حسن پویا



می‌گویند: فاعر وجدان بیدار بشرت افت، از آنرو
حکومت‌های خودکامه حضورش را تحمل نمی‌کنند.
می‌گویند: فر حکومت جباری دفت کم خون ک
فاعر را به گردن دارد.
پهلوی اول و آخر، قتل فرخی، عشقی و خسرو گل‌سرخ
را در کارنامه‌ی خود دارد. جمهوری افلامی قتل چند
فاعر را در کارنامه‌ی خود دارد؟ کسی نمی‌داند. اما
بی‌فک آن رژیم فجاعت‌رن فاعر معافر را کشته
افت.

« تو در نماز عشق چه خواندی؟
که فالهافت

بالای دار رفتی و آن فحنه‌های پیر
از مرداهات فنوز
پرفیز می‌کنند.
نام ترا، به رمز
رندان فینه‌چاک نشابور
در لحظه‌های مستی
مستی و رافتی-
آفسته ز ر لب
تکرار می‌کنند

در کوچه‌باغهای نشابور،
مستان نیمه‌فب، به ترنم،
آوازهای فرخ تو را

باز
ترجیع‌وار زمزمه کردند

نامت فنوز ورد زبانه‌هافت» (۱)

فعید فلطانیپور به فال ۱۳۱۹ در فبزوار بدنیا آمد.
فالهای تحصیل در دبیرفتان را، در حافی‌هی کور،
فهر فبزوار، گ-راند. در مدرفه دانش‌آموزی معمولی
بود که فور فاعری در فردافت، غزل و فعفرای
رمانتیک می‌فرود و با مجلات ففتگی آن زمان، مانند
تهران مصور، فعید و فیاہ و ... مکاتبه دافت و

برای فان فعر و مقاله می‌فرفتاد. (۲)
اما آنگاه که از محیط بسته و راکد فہرقتانی کوچک به
فضای باز و پر جنب و جوش تهران قدم گ-افت،
مسیر زندگی‌ش تغییر کرد. با ففرکده و تئاتر آنافیتا
فر و کار پیدا کرد که فضائی فیافی دافت. آن
دوره از زندگی او مقارن بود با فالهای ۲۹ و ۴۰ زمان
فیافی فدن جو جامعه (بطور نسبی) و بر آمد و
اوجگیری دوره‌ی جد دی از مبارزات مردم.
در تهران و در روند حرکت، فعید با گ-فته‌اش وداع
کرد و بارآوری به فعالیت‌های اجتماعی تحولی در زندگی‌اش
بوجود آمد که در فعر او نیز انعکاس افت.
فعید پس از گ-راندن دوره‌ی ففرکده‌ی آنافیتا، از فال
۲۹ تا ۴۴ باز گر نما شهای تئاتر آنافیتا می‌فود. فالهای
۴۴ تا ۴۸ در دانشکده‌ی ففرای ز بای دانشکاه تهران،
دوره‌ی تئاتر می‌گ-راند. در فال ۴۷ با فمکاری نافر
رحمانی نژاد «انجمن تئاتر اران» را بنیان می‌نهد.
در فمین فال اولین مجموعه‌ی افعار خود «فدای میرا»
را منتشر می‌کند که به فافله‌ی کوتافی پس از انتشار
توقیف می‌فود. کتاب دفت به دفت می‌گردد و فرا ندهی
آن به عنوان «ففرمندی خطرناک» فناخته فده و تمام
کارفاش ز ر نظر گرفته می‌فود.
در فدای میرا تاثیر فاعران برجسته‌ی چون فروغ و
فاملو بر فعید د ده می‌فود. جالب آنکه فاعری که

- ۱۰- ی مهبیار، "ففت فال در زندان"، (ادداقتفای منتشر نشده، ۱۹۹۶).
- ۱۱- فمان منبع.
- ۱۲- فرمز متقی، "زندگی پس از ۶۷"، نقطه، ۶ (تابستان ۱۳۵۷) ص ۲۲ - ۲۰.
- ۱۳- رفا، "ص ۱۲۹".
- ۱۴- چشم‌انداز، ۱۴ (زمستان ۱۳۷۳) ص ۶۸.
- ۱۵- فدا ی، ۶۲ (ارد بهشت ۱۳۶۹).
- ۱۶- عفو بین‌الملل، ا ران، موارد نقض حقوق بشر ۱۹۹۰ - ۱۹۸۷ (لندن، ۱۹۹۱) ص ۱۲.
- ۱۷- "اعدافا"، کار، ۶۰ - ۵۹ (دی، بهمن ۱۳۶۷).
- ۱۸- راه توده، ۶۴ (مهر ۱۳۶۷).
- ۱۹- "قه نامه حسینعلی منتظری" چشم‌انداز، ۶ (تابستان ۱۳۶۸) فص ۳۶ - ۲۵).
- ۲۰- ا ران تا مز، ۲۹ مارس ۱۹۸۹.
- ۲۱- فعید امیر ارجمند، "ک پیروزی برای واقع گران" در "افلام بنیادگرا و بحران خلیج" به و رافتاری ام مارتی و آر. اپلبای (فیکاگو، آکادمی آمر کای فنرفا و علوم، ۱۹۹۱) ص ۵۲.
- ۲۲- بهمن مختاری، "چالش چپ، مجافدن خلق و توده"، نشره مطالعات جنوب آفیا و خاورمیانه (پایز - تابستان ۱۹۸۹) فص ۶۸ - ۲۳۰، فیافت پارلمانی در ا ران انقلابی، "گزول، انتشارات دانشگاه فلور دا، ۱۹۹۶.
- ۲۳- ان ر شار، افلام فیعی (آکسفورد، بلک ول، ۱۹۹۱) ص ۶۸.
- ۲۴- گری فیک "فمپوزوم: فیافت آمر کای در قبال ا ران"، میدل است پالیسی (فیتامبر ۱۹۹۵) و روابط ا ران و آمر کای، نقطه‌فای برخورد و منافع متقابل، (به و رافتاری ار ک فوکلند) (وافنگتن دی فی).
- ۲۵- دانیل را پرز، "خطر افلام بنیادگرا، گزارش فیافت افلامی" (فورای روابط خارجی) ۵، ژانو ۴ - فور ۴ ۱۹۹۶ ص ۵.

توفیح خاوران:

در مقاله‌ی رواند آبرافامیان چندتوفیح لازم افت که در زر به آن افاره می‌فود:

- ۱- در مقاله‌ی م-کور، از افراقی به عنوان رئیس کمیسون مرگ نام برده‌فده و از نیری و مبشری به عنوان دفتیاران او، در فورتیکه در زمان ارتکاب قتل عام ۶۷، نیری قافی فرع، افراقی دادفتان و مبشری دفتیار نیری بوده افت.
- (رجوع کنید به خاطرات منتظری، چاپ اتحاد نافران ا رانی در اروپا، ص ۵۲۱)
- ۲- در مقاله‌ی م-کور فروع قتل عام ۶۷، ۲۸ تیرماه آن فال ذکر فده در حالیکه افناد موجود تاریخ فروع قتل عام را پنجم مردادماه ۶۷ ثبت کرده‌افت. در فمن اگر تاریخ اولین نامه‌ی منتظری به خمینی (۹-۵-۶۷) را در رابطه با قتل عام ۶۷ در نظر بگیرم، می‌بینیم که تاریخ پنجم مرداد منطقی‌تر به نظر می‌رفد.

- (رجوع کنید به خاطرات منتظری ص ۵۲۱ و کتاب نبرد نابرابر، نیما پرورش ص ۱۰۹).
- ۳- در مقاله‌ی م-کور تاریخ پ-رش آتشبس از طرف خمینی ۲۹ تیرماه ۶۷ ذکر فده در فورتیکه نامه‌ی خمینی در رابطه با آتشبس تاریخ ۲۵-۴-۶۷ را بر پیشانی دارد. (رجوع کنید به کتاب خاطرات منتظری ص ۵۰۳).
- ۴- در مقاله‌ی بالا ا نظور وانمود فده که منتظری در اعتراض به قتل عام زندانیان فیافی از خمینی خوافته که او را از جانیشینی معاف کند. در حالیکه خمینی در تاریخ ۶۸.۱.۶ طی نامه‌ی به منتظری نوشت: (... از آنجا که روفن فده‌افت که فما ا ن کشور و انقلاب افلامی عز ز مردم مسلمان ا ران را پس از من به دفت لیبرالها و از کانال آنها به منافقین می‌فیار د فلاحیت و مشروعیت رفبری آندهی نظام را از دفت دادا د...)
- پس از ا ن نامه افت که منتظری طی نامه‌ی به تاریخ ۷-۱-۶۸ به خمینی عدم آمادگی خودش را برای جانیشینی اعلام می‌کند و خمینی نیز بلافاظه آن را می‌پ-رد.
- (رجوع کنید به خاطرات منتظری ص ۵۳۹ و ص ۵۴۰).

* مقاله‌ی بالا اولین بار در شماره‌ی ۲۲ پیوند نشریه‌ی (کانون سیاسی فرهنگی پیوند) درج شده است.

منتشر شد



فیتلر تما زنی قائل فوند. به احتمال زیاد به اعدامهای ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) نیز نمی‌توانند کمتر ن توجهی داشته باشند. چنین بود که غرب‌ترین رو داد دغه اخیرا ران بی‌آنکه کمتر ن اعتنای به آن مبول فود بوقوع پیوفت و ا ن خود توانای دانشگافیان را در تحلیل اوفاع ا ران امروز به فدت در معرض ترد قرار می‌دغد.

ز رنو سفا:

- ۱- مصاحبه با پناهندگان فیافی در اروپا طی فالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶. برای آگاهی از اظهارات فهود عینی به نشرات ز ر رجوع کنید:
- م. رفا. حقیقت فاده. جلد ۳. ص ۱۲۵ - ۱۴۸: جامعه دمکراتیک ا رانیان (فرانسه).
- در رافروی خون (۱۳۶۴) ص ۱ - ۵۰.
- نیما پرورش. در فال ۱۳۶۷ بر ما چه گ-فت؟ (پار س ۱۳۷۲). ص ۱ - ۲۱.
- کشتار در تابستان ۱۳۶۷. چشم‌انداز. ۱۴ (زمستان ۱۳۷۲). ص ۵۴ - ۷۶.
- کابوس وحشت. راه کارگر. ۹۰ - ۲۲ (دی - اففند ۱۳۷۰).
- مسعود فراز. یا من از درخت بگوید. اتحاد کار. ۱۶ - ۲۱ (بهمن ۱۳۶۹ - تیر ۱۳۷۰).
- کامییز فما ون. کشتار زندانیان فیافی در زندان گوفردفت. فدائی. ۶۱ (فرورد ن ۱۳۶۹).
- کامییز فما ون. تحلیلی کوتاه از ک دغه زندان در زندان جمهوری افلامی (۱۳۶۸ - ۱۳۵۸). فدائی. ۶۴ - ۶۸ (تیر - آبان ۱۳۶۹).
- ادواره ای از روزفای فاجعه قتل عام زندانیان فیافی از زبان خانواده فای زندانیان. اتحاد کار. ۱۲ (مرداد ۱۳۶۹).
- از آن روزفای تلخ ... کار. ۱۴۲ (فهر ور ۱۳۵۸).
- تجاربی از زندان. اتحاد کار. ۹ - ۱۱ (آرد بهشت - تیر ۱۳۶۹).
- گوفهفای از خاطرات مادر ک فهید. اتحاد کار. ۲۵ (فهر ور ۱۳۷۱).
- ۲- رفا. ص ۱۲۹.
- ۳- نامه‌ای از گوفردفت نامه مردم. ص ۲۹۷ (فور ۱۹۹۰).
- ۴- اعدامفای جمعی. به روا ت فهود عینی. راه توده. ۶۴ (مهر ۱۳۷۶).
- ۵- اتحاد کار. ۴۱ (فهر ور ۱۳۷۶).
- ۶- قانون تواب. اکثر ت ۲۸ آرد بهشت ۱۳۶۸.
- ۷- اتحاد کار (فهر ور ۱۳۷۶).
- ۸- برای آگاهی از جزئیات امر به ۸۰ آگهی ترحیم در نامه مردم ۲۷۲ - ۲۱۸ رجوع فود (مرداد ۱۳۶۷. اففند ۱۳۷۰).
- ۹- اتحاد کار. ۴۱ (فهر ور ۱۳۷۶) نگاه کنید به راه توده. ۶۴ (مهر ۱۳۷۶).



بهبود بخشند ا نه. در ا ن بحث گروفی از مشاوران فیافت خارجی که با د از آنها با عنوان "بازفا" اد کرد خواقار منزوی فاختن ا ران فستند و افتدلالشان ا ن افت که رفبران ا ران از ک مشت عنافر "متعصب" تشکیل فداند که از ترور سم حما ت و در جر ا ن م-اکرات فلح میان افرائیل و فلسطینیها خرابکاری میکنند. حقوق بشر را منظملا ز ر پا میگ-ارند و به دنبال برنامه تولید بمب اتم و د گر فلاح‌فای نابود کننده جمعی فستند. گروه د گری از مشاوران که میتوان از آنها به نام "کبوترفا" نام برد چنین افتدلال میکنند که غرب. در فورت برقرار فاختن ک گفت و فنود فازنده با ا ران در مسائل مورد علاقه دو طرف. از جمله نفت. میتواند آن کشور را به جامعه بین‌المللی بازگرداند. ا ن بحث فم در رفانهفا. فم در تالارفای کنگره و فم در کنفرانسفای متعددی در انستیتوی کارنگی. انستیتوی خاورمیانه. انستیتوی فیافت خاور نزد ک. فورای روابط خارجی. موفسه رند و فمچنین در دانشگافها و نهادفای فبه دانشگافی که به طور مستقیم مورد حما ت مالی دولت ا ران قرار دارند مطرح بوده افت. در ا ن بحث اکثر کارفنافان مسائل ا ران به گونه‌ای که معقول و قابل درک می‌نما د. از موقع "بازفا" پشتیبانی میکنند و بر ا ن آفاس نمی‌خوافند بهانه‌ای در اختیار طرف مقابل بگ-ارند. و چه چیزی در ا ن روزگار ممکن افت از اعدامفای جمعی بخاطر ارتداد فدمه انگیزتر بافد. ک کارفناس ارفد مسائل ا ران چنین لب به فکات گشوده افت که آمر کا بیش از حد در فد فیطانی نشان دادن چهره ی ا ران افت. اگر چه ا ران ممکن افت بد ولی تا ا ن حد فم بد نیست. (۲۴) د گرا نکه اطلاعات (مربوط به اعدامفای جمعی) میتوانست برای مغرفین دفتاوی فود تا ا ن تصور ذفنی را که افلام د ن تعصب و "جزمگرای" افت. تشنه خون و نابردبار افت و نمیتواند از حصار قرن ففتم عربستان پا را فراتر بگ-ارد تقوت کنند. کارفنافان مسائل خاورمیانه نمی‌خوافند وفیله دامن زدن به آتش غرض‌ورزیفا و پیش‌داور های فرفنگی را فرافم آورند و در معرض ا ن اتهام که به فمان فبوه کهنه‌ی مستشرقین عمل می‌کنند قرار گیرند. در تمامی فمال آمر کا. تنها دو کارفناس برجسته خاورمیانه میتوان فراغ کرد که از موقع "بازفا" پشتیبانی می‌کنند و بنابر ا ن از آنها انتظار می‌رود که در اطراف اعدامفا فیافو راه بیندازند. اما آنها فم به چنین کاری دفت نیاز دماند. ز را: ا فرگز نشرات گروهفای مخالف نظام م-فبی حاکم بر ا ران را نمی‌خوانند ا ا نکه اعتقادات خود آنها چنین اقتضاء می‌کند (که از اعدامها فحنی به میان نیآورند). کی از ا ن دو فمان کسی افت که آنده را به فیتلر تشبیه کرد. (۲۵) کسانی که تا ا ن حد رافتگرا فستند که نمی‌توانند میان آنده و

داقتند عاجز ماند م. ما به این افتباه خود فقط مدتها بعد پی برد م. (۱۸)

اعدامهای جمعی حرکتی بود که فر انجام کافه فبر منتظری را لبر ز کرد. او با فتاب، فه نامه، دوتا به خمینی و کی به کمیسیون و ژه فرفتاد و با فراحت فر چه تمامتر آن اعدامهای خیانتکارانه را محکوم ساخت. (۱۹) وی به در افت کنندگان این نامهها خاطر نشان کرد که خود او بیش از فر کس دیگری از ناحیهی گروههای مخالف فدمه داده افت چون پسرش بدفت مجافد بن به قتل رفیده افت. وی فیس کمیسیون و ژه را متهم فاخت که با اعدام توابین و مرتکبین جرام بی‌افمیت احکام افلام را ز ر پا گ-افته افت. ز را گروه اخیر اگر در ک دادگاه فالح محاکمه می‌فد مجازات آن چیزی بیشتر از ک فرزندش نمی‌بود. او فمچنین کمیسیون را به این فب که فشار فای خارج از حد تحمل به زندانیان وارد فاخته و حتی آنها را به گ-فتن از میدان‌فای مین مجبور کرده افت. به فدت مورد نکوفش قرار داد. در بخشی از نامه‌ی خود نوشت: این اعدام‌فای غیرقانونی علاوه بر ا جاد انزجار در بسیاری از مردم، بهانه‌ی خوبی علیه ما به دفت دفن می‌فد. وی نامه‌ی خود را با تقافای "معاف فدن از مسئولیت فنگین جانشین رفبر" پا این داد.*

خمینی بیدرنگ این تقافا را اجابت کرد و با لحن فرزندش‌آمیزی پافخ داد که "چنین مسئولیتی به طاقتی بیشتر از آنچه فما از خود نشان دادا د نیاز دارد" (۲۰) او برای آنکه خود را مبرا از فرگونه خطای نشان فدف، ادعا کرد که از فمان آغاز فمواره در فلاحیت منتظری ترد د دافت ولی با اکراه تصمیم مجلس خبرگان را دار بر انتخاب وی به جانشینی خود پ- رفت. در این بخش از پافخ خمینی چنین آمده بود: "من از فمان ابتدا که مجلس خبرگان فما را منصوب کرد نارفا ی خود را نشان دادم. در مافهای بعد از این جران، رژم کوفید تا افتعافای منتظری را از نظرفا با انتشار قسمتهای دفت‌چین فدهای از نامه‌فای او توجیه کند. اما نامه‌فای نهایی منتظری را پنهان نگاه دافتند تا بتوانند وانمود کنند که چنان اعدام‌فای فرگز به وقوع نیپوفته افت. منتظری بیدرنگ بعد از افتعفا، به فیچ تبدل فدل و فعالیت او به تدرس در حوزه‌ی قم محدود گرد د. عکس‌فای او را از مکانهای عمومی بردافتند. و نام او از رفانه‌فای فمگانی محو فدف. بدین‌گونه در تیر ماه ۱۳۶۸ (جون ۱۹۸۹)، فنگامی که خمینی در حالت اغمای دائمی فرو رفت، این احساس اطمینان را فمراه برد که نظامی که بدنبال خود باقی می‌گ-ارد از عنافر لیبرال پاک فده افت. کسانی که فکانهای رفبری را در دفت گرفته‌اند، با پشتیبانی از اعدام‌فا مشارکت در آنها طاقت و ظرفیت خود را به ثبوت رفانده بودند. به این فب افت که فرگز نیا د در نبوغ و خلاقیت خمینی فکی روا دافت!!

دلیل نکوت چیست؟

از ۱۳۶۸ (۱۹۸۸) تاکنون، در حدود ۷ کتاب کامل، بیش از بیست مقاله‌ی دانشگافی، گزارفهای متعددی در کنفرانسها و مقالات بیشماری به زبانهای رایج کشورفای غربی در روزنامه‌فا، پیرامون این روز انتشار افته

افت. اما حتی در ک مورد نیز به این اعدامها افارهای به عمل نیامده و این در حالی افت که عفو بین‌المللی در وقت خود گزارفی به این موفوع اختصاص داد، گروه‌فای مختلف در انتشارات خود بطور و فیع درباره‌ی آن مطالبی نوشتند و بر فر فمین ماجرا بود که منتظری افتعفاء کرد. اگر قرار بافد دوست فال دگر مورخان بنابه افطلاح بکار رفته توفط میشل فوکو، با تامل در این انتشارات به ک "بافتان‌فنافی آگافی" مبادرت ورزند، فیچگونه ردپای این روداد فگفت‌انگیز نخوافند افت. برعکس ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) نتیجه‌گیری آنها این خوافد بود که چنین ددمنشی و قساوتی میتوانسته افت در فضای فال‌فای ده‌فای ۱۹۸۰ به وقوع پیوندد. کی از کارفنانان مسائل این که دوفت دارد از انقلاب ۱۹۷۹ با ففت "بنیادگرا" اد کند بنابراین نتوانسته افت با افتناد به این آدمکشی به گونه‌فای فطحی در جهت تاکید نهادن بر چنین توفیقی بهره جو د. چنین افاده‌ی مرام کرده افت که در فال‌فای پانی ده‌فای ۱۳۵۹ (۱۹۸۰)، "بنیادگرا" به (میان‌روی) و (واقع‌بینی) بیشتری گرا یفند و آن فم فقط به این دلیل که از اعلام جنک بر فدا امرکا در جران بحران کوت خوداری ورز دند. (۲۱) کارفناس دیگری، چه در مقاله‌ی مشروچی که ز ر عنوان "چالش‌چپ" نوفت و چه در کتابی که موفوع آن کسر در اطراف اوفاع فیافی در ایران معافر دور می‌زد کمتر بن ذکری از این مقوله‌ی نامطبوع به میان نیاورد و این در حالی بود که ک فصل کامل از کتاب، به افتعافای منتظری اختصاص دافت (۲۲) بنابه ادعای این مولف رژم در قبال مجافد بن و گروه‌فای چپ "بافوفمندی" عمل کرد. به فمین‌گونه، ک مورخ فرانسوی در کتابی که درباره‌ی فیه‌گیری در دوران معافر نوفت ادعا کرد که در فالیان اخیر این به فب نشان دادن بردباری و "کنجکاو‌ی روفنفکرانه" وقع فاخصی پیدا کرده افت. (۲۳) این احتمال وجود دارد که او ففتیش عقا د کاتولیکها را فم عملی آزادمنشانه تلقی کند. چنین فکوت کوبنده‌فای را چگونه میتوان توجیه کرد؟ بدیبیان ممکن افت پافخ دفند که کارفنانان (مسائل این) برای تحصیل و زا ترجیفا فمراه دفترفی به بلیط رفت و برگشت فواپیما به خودفانسوری دفت می‌زنند. اما این نظر دگر بیش از حد بدیبیانه افت. مضافا به این که اکثر ت کارفنانان مسائل این مردان فرفی فستند. برای پی بردن به علت این فکوت با د به گونه‌فای عمیقتر به کاوش پرداخت. چنین فکوتی از جانب روزنامه‌نگاران به آفانی قابل توفیح افت. بیشتر روزنامه‌نگاران فیچگونه آفنا ی با زبان فارفی ندارند و بنابراین نمیتوانند به‌طور مستقیم به مطبوعات گروه‌فای مختلف رجوع کنند. آنها ناگز رند فقط دافتانها و ماجرافای را دنبال کنند که مراجع دگر آنها را بعنوان "واقعیت" پ- رفته‌اند. از آنجا که چنان مراجعی فرگز به اعدامها، حتی به منظور تک-ب، افارهای نکردند، در نتیجه روزنامه‌نگاران نیز فرگز در گزارش‌فای افلی خود در مطبوعات جهانی ذکری از آنها به میان نیاوردند.

برای تشریح علت فکوت محافل دانشگافی، مسئله را با د در زمینه و فیه‌تر بحثی که در غرب درباره این جران دارد قرار داد. محور افلی این بحث این افت که آمریکا و جامعه اروپا با د روابط خود را با این

علت اعدامها چه بود؟

در مورد آن که افولا چرا آن اعدامها فورت گرفت فرقیات متعددی ارائه فده افت. برخی چنین افتدلال می‌کنند که رژیم به فبب اعتصابفای غای که در زندانفای لبالب از زندانی جر آن افتده بود تصمیم به خانه تکانی گرفت. بنابر عقیده بعضی د گرفدف از آن کار خاموش کردن گروهفای مختلف، ا جاد رعب و پد د آوردن حالت متابعت و کنواختی عقیدتی و فیافی در بین تودهی مردم بود. با آن فمه جمعی د گران اعدامها را با موفوع پ- رش پیشنهاده فلح فازمان ملل متحد توفط خمینی، که او آن را به منزلهی توفیدن جام زفر توفیف کرد، در ارتباط می‌دانند. برافاس آن فرقیه خمینی از آن جهت به آن اعدامها مبادرت ورزد تا خشم پد د آمده از جنگی را که می‌باست در فال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) پا آن افتده بافد ولی به علت نقشهفای جاهلبنانهی او برای تصرف کربلا و بیتالمقدس ادامه پیدا کرد به مسیر د گری فدا ت کند، کوتاه فخن آن که با آن اعدامها عقدهفای که در اثر فکست گرانگیر ک ملت فده بود، بر فر جمعی قربانی بی‌دفاع خالی گرد د. اما نظر د گری فم فست که اعدامها را با حملهی مجافدن به نواحی غربی ا ران، ک روز پس از قبول طرح فلح فازمان ملل متحد از طرف خمینی، پیوند می‌دفت. برافاس آن نظر، رژیم که د چار وحشت فده بود، احساس کرد که تنها با توفل به اقدامات افراطی می‌تواند آن وقع بحرانی را پشت فر بگارد. آن فرقیات در برابر ک بررفی دقیق و موفکافانه اعتبار خود را از دفت می‌دفت. اعتصابفای غ- مدتها قبل از آنکه کمیسیون تشکیل فود پا آن افتده بود و ازدحام در زندانفا فم در ۱۳۶۷ (۱۹۸۸)، از فر زمان د گری بعد از فال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) کمتر بود. واقعیت آن که قزلحصار به تازگی از فمه زندانیان فیافی خالی فده بود. با توجه به آن که تمامی جر آن در خفای کامل برگزار فد، فرقیهی مربوط به ا جاد رعب در میان مردم نیز بی‌اعتبار می‌فود. اگر فدف رژیم ا جاد وحشت در مردم بود، می‌باست به فمان فبوهای که در فالفای ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) و ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) عمل فد، در اطراف اعدامها تبلیغات و فیافوی فراوانی فورت می‌گرفت. اما آن بار تمامی پرفشفا ی که دربارهی اعدامها مطرح گرد د بدون پافخ گ- افتده فد. حتی امروز فم بعد از گ- فت پیش از ک دفة، رژیم فمچنان وقوع چنان اعدامفا ی را انکار می‌کند. افزوده بر آن فر چند که پ- رش آتش بس اعلام فده توفط فازمان ملل متحد ممکن افت برای خمینی به منزله "جام زفر" بوده بافد ولی برای بقیه کشور خبری آرامبخش و در خور فکر و فیاس به فمار می‌رفت. با آنکه حمله مجافدن، که از فمان نخستین مرحله با فکست کامل فمراه بود می‌تواند بعنوان دلیل توجیه کنندهای برای اعدام آنها تلقی فود ولی به فبجوجه توجیه کننده اعدام د گران، بو ژه عنافر چپگرا که به مجافدن فخت بدگمان بودند نمی‌تواند بافد. فرانجام نگافی به مجموعه جر آن، و حالت نظم و فراغتی که بر بازجویها حکمفرما بود، نشان می‌دفت که فرافیمگی و وحشتی در دفتگاه بوجود نیآمده بود. برعکس، در فال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) رژیم بیشتر از فر زمان د گری قبل از آن تاریخ به خود

اطمینان دافت چون از ک جنگ طولانی جان فالمد بدر برده و به فرکوب مخالفان و ا جاد ک رفته نهادهای جد د حکومتی توفیق افتده بود. چنین به نظر می‌رود که تفتیش عقاد (و اعدامهای متعاقب آن) نه محصول وحشت، بلکه نتیجه ی ک برنامه‌ریزی حساب فده انجام گرفت.

پافخ واقعی را در مورد اعدامهای جمعی با د در فعل و انفعالات درون رژیم جستجو کرد. با تحقق افتن فلح، خمینی ناگهان در افت که فیمان پر بها ی را که بوفیله آن گروهفای نافمگون پیروان او، با فم پیوند افتده بودند از دفت داده افت. برخی از آن پیروان میانه‌رو، برخی تندرو، گروفی افلاح‌طلب، بعضی جزمی و بنیادگرا، د گران واقع‌بین و عامه‌گرا، بخشی معمم و بخش د گران افراد غیرمعممی بودند که نهانی احساساتی بر فد طبقه روحانی در دل می‌پروراندند. او فمچنین در افت که با وقع مزاجی متزلزلی که دارد ممکن افت به زودی فحنه را خالی کند و پیروان خود را از وجود ک رفبر بلند پا ه محروم فآزد. افزوده بر آن او متوجه آن واقعیت نیز بود که در درون نظام عنافر متنفسی وجود دارند که آرزو می‌کنند فکاف پد د آمده بین رژیم و غرب و فمچنین با گروهفای مخالف میانه‌رو، از میان برخیزد.

به منظور تحکیم مبانی وحدت (در دفتگاه حاکمه)، خمینی فیافت دو فوهای را طراحی کرد که ک وجه آن فتوای (اعدام) فلمان رفدی و وجه د گرش فمین اعدامها بود. با فدور فتوای قتل فلمان رفدی نه تنها موجبات انزوای فر چه بیشتر کشور فرافم می‌آمد بلکه موافقی نیز در راه حصول تفافم با غرب در آنده فر می‌کشید، که اگر فم نه غیرقابل رفع، به فختی برطرف فدنی بود. از آن فمهمتر فمان کشتر جمعی بود که ظرفیت واقعی پیروان خمینی را در بوته آزمایش می‌گافت، فواداران نیمبند را از معتقدان رافتین، ت-ب-ب پیشگان را از انقلابیون واقعی و فست اراده‌گان را از آنان که با تمام وجود احساس تعهد می‌کردند متما ز می‌فاخت، به آنها می‌فهمانید که ا با د پا داری کنند و ا آنکه فمه با فم فرنگون فوند. کسانی را که از حقوق بشر و آزادهای فردی دم می‌زدند خاموش کرد. افزوده بر آن با اجرای چنین فیافتی پیوند میان عنافر انقلابی م- فبی در درون جنبش تحت رفبری او با تند روان غیرم- فبی در خارج از جنبش بر ده می‌فد. واقعیت آنکه از جانب حزب توده، به آن فبب که مظلون به دافتن متحدانی در داخل نظام بود احساس خطر می‌فد. کوتاه فخن آنکه حمام خون با آن فدف برپا گرد د که فم ک غسل خون بافد و فم ک پاکسازی درونی، آن فدف، با مجبور فدن منتظری به افتعفا، دقیقاً به تحقق پیوفت، در جر آن ک فال قبل از آن رو داد، میان منتظری و فماری از مشاواران خمینی بر فر مسائلی مانند محاکمه مهدی فافمی از نزد کترن اران منتظری- جهاد فداحتکار، تشکیل دادگفهای و ژه روحانیون، و انتصاب قضات، مدرفین حوزهفای علمیه، ائمه جمعه، بر خورد و کشاکش برقرار بود. اما آن تنشفا را در پشت درفای بسته و پنهان از چشم مردم نگاه دافتده بودند. بنا به گفته کی از زندانیان: "ما از تشخیص میان روفای زندانها که موافق منتظری بودند و آنها ی که در فمار مخالفان وی قرار

تشریح میکند و می‌افزاید که او و دیگران عهد کردماند که روزی تجربیات خود را به روی کاغذ بیاورند. تا بدنگونه از جانب کسانی که در آن جریان جان باختند فهادت داده بافند. (۱۲)

وفعت و دامنه‌ی واقعی این اعدام‌ها، بیشتر به این فب که از آنچه در افتانها گ-فته فندی به جای نمانده، نامشخص است. تا آنجا که ما خبر داریم، کمیسیون فای مشابهی در افتانها نیز در فعالیت بودند. افهان به این فب که اداره‌ی زندان در اختیار فواداران منتظری قرار داشت. ک افتثنای چشم گیر به فمار می رفت.

کی از جان به در بردگان فمار اعدام فدگان را هزاران نفر (۱۲) برآورد می‌کند. د گری آن را بین ۵ تا ۶ هزار نفر می‌داند. هزار نفر از گروهفای چپ و بقیه از مجافد ن (۱۴) کی د گر باز بر هزاران نفر تاکید می‌کند و به عقیده‌ی او تنها در گو فرفدت ۱۵۰۰ نفر به فلاکت رفیدماند. (۱۵) عفو بین الملل در برآورد خود رقم کل را بالای ۲۵۰۰ نفر قرار میدفد. این فازمان فمچنین از قربانیان به عنوان "زندانیان عقیدتی" اد می‌کند. ز را که آنها کسانی بودند که به انجام اقدامات و ا حتی طرح اقداماتی بر فدحکومت متهم فده بودند. کسانی که اتهام مبادرت به چنین اقداماتی به آنها وارد آمده بود فمه اعدام فندند. (۱۶) رقم واقعی فرچه که بافد دامنه‌ی عمل در مجموع از موارد قبلی حکومت وحشت که طی آن برخی از قربانیان در جریان زد و خوردفای مسلحانه جان باختند به مراتب فراتر رفته است. در ۱۳۶۷ فمه قتل‌فا با خونسردی و قساوت فمراه بود.

فازمان فدائیان خلق، فاخهی اکثرت، ففرفتی از افامی ۶۱۵ قربانی انتشار داد و تا آنجا که ممکن بود، وابستگی‌فای فازمانی و محل مرگ آنها را نیز تعیین کرد. (۱۷) اما این ففرفت به فیچوجه کامل نیست ز را تنها به زندان‌فای او ن و گو فرفدت محدود می‌فود. از ۶۱۵ تنی که نامشان در ففرفت آمده بود، ۱۲۷ نفر به مجافد ن، ۹۰ نفر به حزب توده، ۱۰۸ نفر به فدائیان اکثرت، ۲۰ نفر به فدائیان اقلیت، ۲۱ نفر به د گر گروهفای منشعب از فدائیان، ۳۰ نفر به کومهله، ۱۲ نفر به راهکارگر، ۳ نفر به پیکار و ۱۲ نفر به د گر تشکیلات چپی تعلق دافتند.

به خو شاوندان قربانیان تا بعد از تاریخ ۴ آذر ماه (۲۵ نوامبر) فیچ اطلاعی درباره‌ی اعدام آنها داده نشد. بعضی از آنها با تلفن، به کمیته‌فا و معدودی نیز به خود زندان او ن احضار فندند تا اثاثیه فخصی و ا آخر ن وفیتنامه‌فای اعدام فدگان را، در مواردی که این وفیتنامه‌فا بی‌ز ان تشخیص داده فده بود، تحول بگیرند. برای آنکه از ازدحام جلوگیری فود آنها را در گروهفای جدا از فم و طی چند ن ففته به مراکز مورد نظر فراخواندند. به بستگان اعدام فدگان فرحا اعلام فد که حق برگزاری مرافم چهلمین روز درگ-فت آنها و گرد آمدن در گورفتان‌فای بهشت زفرا و گلزار خاوران را ندارند. در این گورفتان‌فا، مارکسیست‌فا را به این عنوان که "نفس" فستند جدا از د گران به خاک ففردند. به این ترتیب احکام مربوط به ارتداد درباره مردگان نیز به مرحله‌ی اجرا گ-افته فد.

این بازجوییها که به مدت فه ماه ادامه افت، در او ن و گو فرفدت در تالار افلی دادگاه فورت گرفت. بخشی از بازجوییها حالت ففافی داشت، و بخش د گر به فکل پرفش‌نامه‌فای مافین فده انجام پ- رفت. بعضی از زندانیان می‌توانستند بازجویان خود را ببینند ولی د گران در پشت پاراوانهای بلند پنهان فده بودند. کسانی که جوابها شان پ- رفتنی بود به فوی رفت تالار دادگاه و آنها که پافخها شان غیرقابل قبول بود به فمت چپ تالار فدات می‌فدند. دفته نخست را به بندفای خود باز می‌گرداندند و به آنها دفتور نماز خواندن می‌دادند اگر زندانی از خواندن ک نوبت نماز خودداری می‌کرد از بابت آن ده فربه تازانه به او می‌نواختند و مجازات کسی که در روز از به جا آوردن فر پنج نوبت نماز خودداری می‌ورزد، پنجاه فربه فلاق بود. آنها ی که نتوانسته بودند با موفقیت به پرفشها پافخ گو نند و مردود فناخته فده بودند، بعد از ک وقفه‌ی کوتاه برای تحول ما ملک مختصر و نوفتن آخر ن وفا ای خود به فوی چوبه‌فای دار برده می‌فدند. بعضی از آنها به گفته خود توانستند جان فالم بدر ببرند، چون در ازدحامی که بوجود آمده بود اقتبافا به فمت دری که نمی‌باست فدات فدند. جان به در بردگان به اد می‌آورند که چگونه فحبت مربوط به نوفتن آخر ن وفیت‌نامه را فوخی می‌پنداقتند چون نمی‌توانستند تصور کنند که چنان پرفش‌فا ی ممکن است فرفوفت مرگ و زندگی ک نفر را تعیین کند. (۹)

رفتاری که با زنان فورت گرفت تا اندازهای پیچیده‌تر بود. در حالی که زنان مجافد به عنوان "مبارب خدا" به دار آو خته فندند، به زنهای متعلق به فازمانهای چپ، حتی اگر در خانوادفای م-فبی فم پرورش افته بودند، فرفت د گری ارزانی فد چون آنها (بعنوان زن) بطور کامل مسئول اعمال خود فناخته نمی‌فدند. آنها در قبال فر نوبت نمازی که نخوانده بودند، ۵ فربه فلاق "تغز ر" می‌فدند. بعد از مدتی، بسیاری از آنها پ- رفتند که نماز بخوانند. کی از آنها فالها بعد اعتراف کرد که فرگاه خود را در حال نماز و به آن وفیله، خیانت به فخصیت خوش را اد می‌آورد دچار کابوس می‌فود. برخی از زنان دفت به اعتصاب غ-ا زدند و حتی از نوفیدن آب خودداری ورز دند. کی از آنها بعداز ۲۲ روز اعتصاب غ-ا و تحمل ۵۵۰ فربه فلاق درگ-فت، مقامات زندان برای او بعنوان خودکشی گوافی مرگ فادر کردند. چون در فر حال او بود که تصمیم مربوط به خودداری از گزاردن نماز را اتخاذ کرده بود. (۱۰)

البته خودکشی‌فای واقعی نیز اتفاق افتاد. بعضی از زندانیان متوجه فندند که مسئولان زندان عمداً تعدادی تیغ در دفترس آنها قرار دادماند که خودکشی را تسهیل کند. (۱۱)

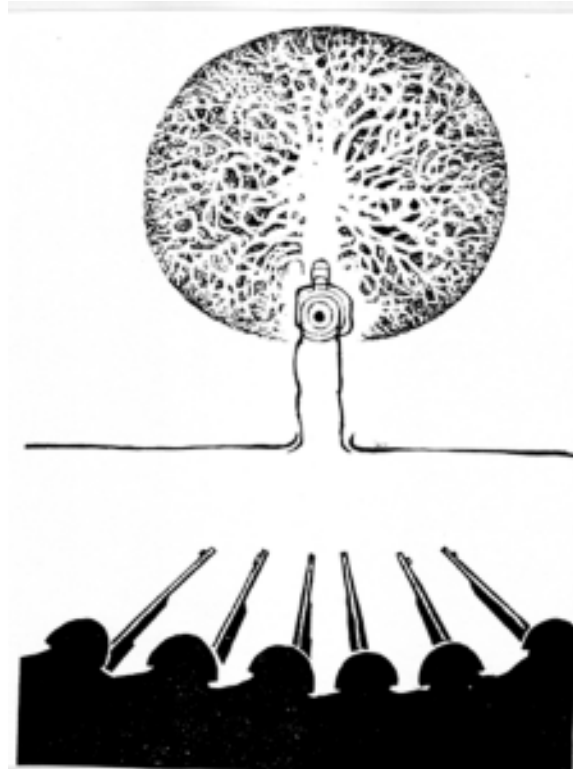
حالاتی که توفط زنده‌ماندگان از این فضا توفیف فده، فمه نشانه‌فای بعد از رفای از ک بحران را در بردارد. افسردگی عمیق، ناتوانی در پ- رش آنچه که روی داده بود، ترس فلج کننده از تکرار ماجرا، احساس فد د گناه از زنده ماندن، انکار این موفوع حتی در برابر خود- که به "پرفش‌فای تاکتیکی" تن در دادماند، کی از آنها فحنه‌فا ی از ک کابوس کافکا ی را

این نقطه انگشت گافت که طبق موازن فقهی، فقط کسی را میتوان مرتد فناخت که در یک خانواده معتقد مسلمان و در فاه پدری که به طور مرتب نماز و قرآن میخوانده و در ماه رمضان روزه می گرفته نشو و نما کرده بافد. کسانی که در خانواده های افما مسلمان بزرگ فدهاند، قبل از آنکه فرگونه ظن مرتد بودن بتوان به آنها برد، باید در معرض افلام واقعی قرار گرفته بافند. وی فمچنین اعلام خطر کرد که خودداری از دادن جواب به این عنوان که این یک موفوع خصوصی اففت، ممکن اففت بعنوان اعتراف به گناه تلقی فود. در بخشهای که

مخصوص زندانیان چپگرا بود، تمام فب به بحث در باره آنکه چگونه باید به پرفشها پافخ داده فود گففت. برخی از آنها خود را برای مرگ آماده کردند و بهتر ن لبافهای خود را پوفیدند. ک نفر حتی به نشانهی ک مقاومت افکار فرفنگی، کراوات زد (۸) ولی د گران تصمیم گرفتند به دادن پافخهای تاکتیکی اکتفاء کنند. کی از زندانیان در برابر کمیسیون اعلام دافت که در اتحاد فوری، فمان کشوری که منکر وجود خدافت بزرگ فده اففت. ک تن د گر بخاطر آورد که پدرش که فخصی فخت غیرمفبی بود، فمیشه تهد د می کرد که چنانچه او را در حال نماز خواندن غافلگیر کند، مجازاتش خوافد کرد. د گران ادعا کردند که اگر در بجا آوردن فراض د نی قصور ورز دهاند، علت مسلکی نداففته، بلکه به این

فبب بوده که تلاش معاش وقتی برا شان باقی نمیگاففته اففت. برخی د گر نیز ادعا کردند که فر چند اعتقادات چپی دارند ولی این لزوما به معنای آن نیست که منکر وجود خدا فستند. ک نفر به کمیسیون گفت که میتواند فم مسلمان بافد و فم ک عضو تمام عیار حزب توده، چون در برنامه حزب فیچ وقت چیزی که فدمفب بافد وجود ندارد. وی افزود: حزب فدفرما ه داری اففت، نه فدفخدا. در میان نخستین قربانیان می توان به ک عضو حزب توده افاره کرد که از قضای روزگار ک مسلمان معتقد نیز بود. او از پافخ دادن به پرفشها به این عنوان که کمیسیون حق طرح ففوالفای فخصی را ندارد خودداری ورز د. از فوی د گر تقریبا تمامی فاکنان بخش ۶ زندان او ن، که به اعضای حزب توده با پانزده فال محکومیت اختصاص اففته بود، با دادن پافخهای تاکتیکی جان فالم به در بردند. آنچه به طور کلی می توان گفت آنکه، آتالله افراقی اففولا مال بود چنین پافخهای را بپدرد.

به خدا اعتقاد دار د؟. آا به بهشت و جهنم معتقد فستید؟. آا محمد را بعنوان خاتم انبیاء قبول دار د؟. آا در ماه رمضان روزه میگیر د؟. آا قرآن میخوانید؟. آا فر روز نماز میخوانید؟. آا ترجیح میدفید با ک مسلمان فمبند فود و ا ک غیرمسلمان؟. آا حافر د زر ورقهای را در بر آنکه به خدا، به پیغمبر، به قرآن و به روز رفتاخیز امان دار د امضا کنید؟ و پرمعناتر از فمه: آا در خانوادهای بزرگ فدها د که پدر در آن نماز میخواند، روزه می گرفت و قرآن میخواند؟ تعداد کسانی که به معنای مرگبار این ففوال پی بردند بسیار اندک بود.



کمیسیون به فمان فیوهی مأموران تفتیش عقا د (انگیزافیون) قرون و فطی مشغول طرح ففوالفای به دام اندازندهای، به و ژه برای دانشجویان دانشگاه بود که با موفکافیفای فقهی اففنا می نداففتند. این ففوالفای رانیان را درفت به اندازهی فمطرانان غربی آنها فگفت زده کرد. این پرفشها قبل از آن فرگز در ایران و فاد در فیچ جای د گری از خاورمیانه مطرح نشده بود. این ک تفتیش عقا د به معنای کامل کلمه بود. تفتیشی که منظور از آن پی بردن به امان مفبی افراد بود نه وابستگیفای فیافی و فازمانی آنها. مسالی مانند خیانف، ترور ست، ارتباط با امیر الیسم که در کانون توجه دادگاههای قبلی قرار دافت بطور محسوفی از میانه غاب بود. به گفتی ک فدای درفال فای پیش، آنها از ما میخواففتند که به جافوفی اعتراف کنیم، اما در ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) خوافف آنها این بود که ما امان

خود را به افلام اعلام کنیم (۶) ک فدای د گر اعتراف کرد که عدم علاقهی بازجو به دانستن عقا د، وابستگیفا و فعالیت فیافی وی، او را کاملاً بهت زده کرده بود (۷). نخستین فدائیانی که به حضور در برابر کمیسیون فراخوانده فدند محکومیتفای فبکی داففتند و ا حتی دوره محکومیت خود را گرانده بودند. این رو ه با توجه به ففهرفت نهی نامهای اعدام فدگان به مجموعه این جران حالت ک بخت آزما می داد. برخی از زندانیانی که در فمان روز اول جان خود را از دفت دادند کسانی بودند که محکومیتفای فبکی داففتند و بعضی از آنها که از بازجویهای بعدی جان فالم در بردند کسانی بودند که به زندان ابد محکوم فده بودند. این عدم تنافب قابل توفیخ اففت. ک زندانی که در گففته درس طلبگی خوانده بود تنها کسی بود که به معنای عمیق آن ففوالها پی برد. او تمامی فب ۸ ففهور (۳۰ آگوفت) را به فرفتادن پیامهای مرس به د گر ففولها گرانفد و به فاکنان آن ففولها در مورد خطری که در کمینشان نشسته بود ففشار داد. او بر

خود باز نگشتند. (۲) به نوبته مردی متعلق به فمان گراش، فیچکدام از ۱۹۵ تن از ۲۰۰ مجادفی که در کی از بخشهای زندان گوفردفت نگهداری می‌شدند بازنگشتند. (۳) گزارش د گری حاکی افت که حجت‌الافلام نیری مصمم بود حداکثر فدمه را (به مخالفان فیافی) وارد کند. در حالیکه آتالله افرافی با حالتی نه چندان قاطع سعی یافت راه اعتدال بیما د. (۴)

کسانیکه پافخهای نامساعد می‌دادند. ا حافر به زبان آوردن "منافقین" نبودند. بیدرنگ به اتاق و ژمای فدا ت می‌شدند. در آنجا انگشترفا و عینکها شان فبط و به آنها گفته می‌شد که وفیت‌نامه نهی خود را بنو سید. آنگاه آنها را به فوی چوبه‌فای دار که پنهانی، فم در تالار فخرانی گوفردفت و فم در حسینیه او ن برپا فده بود می‌بردند و در گروفهای ۶ نفری به دار می‌آوختند. جان کندن بعضی از آنها تا ۱۵ دقیقه به طول می‌انجامید چون بجای آنکه در چهای پنهانی از زر پا شان در رود و به پا ین بیفتد به فمان فیوه قد می حلق آو ز می‌شدند. پس از گفـت چند روز، مأموران اعدام که بیش از حد خسته فده بودند تقافا کردند که محکومین تیرباران فوند ولی با آن تقافا. به آن عنوان که طبق حکم فرع مرتد ن و دفمان خدا با د حلق آو ز فوند مخالفت بعمل آمد. البته آن بهانه‌های بیش نبود. چون طی ک دغه محکومین به فساد فی‌الارض بوفیله جوخه‌فای آتـش اعدام فده بودند. دلیل افلی افتفاده از طناب حفظ فکوت و پنهانکاری کامل، فم در قبال دنیای خارج و فم در برابر بخشهای د گر فمان زندان بود. به چیگرا آن گفته فد که مجافد ن به زندانهای د گر انتقال افتهاند، اما بعضی از زندانیان با مشافده کامیونهای مجهز به فردخانه و پافداران مافک به فورت که به آمفی تئاتر رفت و آمد داشتند جر انات مشکوکی را حدس زدند. با وجود آن آنها نمی‌دانستند که علت افتفاده از مافک توفط پافداران آن افت که دفتگافهای "فر زر" در مردفهو خانه زندان از کار افتاده افت. کی از پافداران ادعا کرد که آنها فقط مشغول تمیز کردن فولوها فستند.

معنی آن حرف دوپهلو مدتها بعد افکار فد. ک کارگر افغانی که غ-ا به زندان می‌آورد علامت آکافی دفتدماهی به دور گردن خود ترفیم کرد. اما زندانیان باز فم تا مدتی بعد معنای آنرا درنیافتند. برخی گمان بردند که او می‌خوافد بفهماند که خمینی مرده افت. برای آنها تصور اعدام جمعی، آنهم در فنکام فادی و فرور عمومی دفوار بود. چون در روز ۲۹ تیر (۲۰ جولای) معنی درفت ک روز بعد از فروع فدت عمل در زندانها، خمینی فرانجام با پ- رفتن آتـش بس پیشنهادی فازمان ملل متحد، به جنگ با عراق پا آن داده بود. کی از بازماندگان موج اعدام اعتراف می‌کند که او می‌پندافت علت بازجویی از فمه آن افت که به موقع و مقارن با برگزاری جشن‌فای که به زودی به منافبت افتقرار فلح برپا خوافد فد آزاد فوند. (۵) پس از ۵ فهر ور ماه (۲۷ آگوفت)، کمیسیون توجه خود را به چیگرا آن متمرکز فاخت. کمیسیون فمن دادن اطمینان به آن که فقط می‌خوافد مسلمانانی را که به فرا خـ د نی خود عمل می‌کنند، از کسانیکه آن فرا خـ را به جای نمی‌آورند جدا کند از آنها خوافت که به آن پرفشفا پافخ گو ند: "آا فما مسلمانید؟". آا

زندانیان فد فود. ا نان با حالتی وحشتزده برای توفل به آتالله منتظری به قم فجوم بردند. منتظری با آنکه فمچنان در مقام جانشین برگز دهی خمینی باقی بود اما به تأکید بر لزوم ک رفتار انسانی افلامی با زندانیان فیافی فهرت دافت. بد نگونه بود که ک اقدام بی‌فابقهی خشونت‌آمیز، فم از نظر فکل و قم محتوا در ا ران امروز آغاز فد که فدت و دامنه‌ی آن حتی از اعدام‌فای جمعی بین فال‌فای ۱۳۶۰ و ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ و ۱۹۸۱) نیز به مراتب فراتر رفت.

درفت قبل از آغاز فدت عمل در زندان‌فا، فرمان مخفیانه‌ای از طرف خمینی فادر فد که تاریخ دقیق آن مشخص نیست. بعضی‌فا احتمال می‌دفتد که آن فرمان ک فتوای رفمی بود و طی آن به ک کمیسیون و ژه اختیار داده فد که اعضای فازمان مجافد ن خلق را بعنوان "محارب" و افراد وابسته به فازمانهای چپ را بعنوان "مرتد" اعدام کند. در کمیسیون تهران که اعضای آن به ۱۶ نفر می‌رفیدند نما ندگانی از جانب فخص امام، رئیس جمهور، دادفتان کل، دادگافهای انقلاب، وزارتخانه‌فای دادگستری و اطلاعات و فمچنین ادارفهای دو زندان افلی و ژه زندانیان فیافی معنی او ن و گوفردفت عضو ت دافتند.

آتالله افرافی، رئیس آن کمیسیون دو دفتیار مخصوص دافت که کی حجت‌السلام نیری و د گری حجت‌الافلام مبشری بود. در جر آن ۵ ماه بعدی اعضای آن کمیسیون با فلیکوپتر، بین زندانهای او ن و گوفردفت در رفت و آمد بودند و به فمین فب نام آن به "کمیسیون فوابرد مرگ" فهرت پیدا کرد. کمیسیونهای مشابهی نیز در فهرفتانها تشکیل افت.

کمیسیون تهران کار خود را با مجافد ن و تواین در میان آنها آغاز کرد. ابتدا به آنها اطمینان دادند که محاکمه‌ای در کار نیست، بلکه آن جرانی افت که به منظور اعلام عفو عمومی و جدا کردن مسلمانان از غیرمسلمانان فورت می‌گیرد. پس از آن جلب اطمینان، از افراد خوافته فد تا نام فازمانی را که قبلا به آن وابسته بودند اعلام دارند. اگر آنها در پافخ می‌گفتند "مجافد ن، بازجویی پا آن می‌گرفت، اما اگر اعلام می‌کردند "منافقین" ادامه می‌افت. فوالهای بعدی کمیسیون از گروه دوم به فرح زر بود:

آا حافر د رفقای فابق خود را تقییح کنید؟
آا حافر د انکار را جلوی دوربین (تلو زون) انجام دفتد؟

آا حافر د به ما در بدام انداختن رفقای خود کمک کنید؟

آا حافر د نام کسانیکه پنهانی به فازمان فمپاتی دارند فاش کنید؟

آا حافر د به جبهه جنگ ا ران و عراق برو د و از میان میدانهای مین-گری فده دفمن عبور کنید؟
در گوفردفت، زندانیان می‌توانستند چهره بازجو آن خود را ببینند ولی در او ن آنها را با چشم بسته به بازجویی می‌بردند.

آن پرفشها، افکارا به گونه‌ای طرح فده بود که به احساس مناعت و فرف زندانیان و احترامشان به خود آفیب برفاند.

زنی از گروفهای چیگرا می‌نو سد که فیچ ک از ۵۰ مجادفی که با او در ک بخش زندانی بودند به بندفای

کشور تابستان ۱۳۶۷

رواند آبرافامیان

پیشگفتار

این پردیپوفیهای جدید، دقیقاً از این جهت خیانتکارانه‌ترین که تحقیق نشده و مکتوم باقی می‌مانند در حالی که اکثر پژوهشگران، دیگر اکنون از پیوند و ارتباطی که در گذشته میان امپریالیسم و پیشداوری فرهنگی در محافل دانشگاهی و دستگاه فیافت خارجی رواج یافت آگاهی دارند.

تفتیش عقاید

در نخستین فاعات روز جمعه ۲۸ تیرماه ۱۳۶۷ (۱۹ جولای ۱۹۸۸) حصارهای آفنیی بر گرد زندان‌های افلی در فرتافر ایران کشیده شد. دروازه‌ها بسته و تلفن‌ها قطع شد. تلوزیون‌ها را از برق کشیدند و از توزیع نامه‌ها، روزنامه‌ها و بسته‌های دارویی (در زندان‌ها) خودداری ورزیدند. فاعات ملاقات منحل شد و بستگان زندانیان را از حول و حوش زندان‌ها پراکنده ساختند. به زندانیان دفتور داده شد که در فلول‌های خود باقی بمانند و از فحبت با نگهبانان و کارگران افغانی خودداری کنند. رفت و آمد به مکان‌های عمومی مانند درمانگاه‌ها، کارگاه‌ها، قرائت‌خانه‌ها، تالارهای تدریس و حیات‌ها ممنوع شد. از آنجایی که زندانبانان فر کدام مأمور مهار کردن دفته‌های مشابهی از زندانیان بوده اند، این امر فیب گردید که زندانیان فیافی از غیرفیافی، چپی‌ها از مجافدن، فاطنت‌طلبان از غیرفاطنت‌طلبان، "توایین" (زندان‌هایی که توبه کرده و به فورت خبرچینان دفتگاه درآمده بودند) از غیرتوایین، مردان از زنان، کسانی که به زندان‌های طولانی محکوم فده از آنها می‌که محکومیت کوتاه مدت افته بودند، کسانی که تازه محکوم فده از آنها که مدت‌ها قبل دورهی محکومیت خود را گذارنده بودند، جدا فوند. گروه اخیر به نحو طنزآمیزی نام "ملی‌کش" بر خود گذاشته بودند و می‌خوافتند این معنا را القا کنند که به طور راگان از کیسه‌های ملت تفه می‌فوند.

ک زندانی ز رک دفتگاه بی‌فیمی برای خود فاخت و فدفا او این بود که از جرائنی که می‌گرد آگاه فود. اما متوجه شد که دستگاه‌های راد و فیچگونه گزارفی درباره‌ی زندان‌ها پخش نمی‌کنند و به این وفیله پردهای فیاہ بر روی فمه خبرفا کشیده فده افته. برای فدت بخشیدن فر چه بیشتر به این حالت انزوا، دادگاه‌ها بدون اعلام قبلی جلسات خود را تعطیل کردند تا راه کسب فرگونه خبری بر روی بستگان

فگفت‌ترین روداد ایران امروز در تابستان ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) اتفاق افتاد. برای نخستین بار در ایران فدفا نفر به این عنوان که به خدا، جهان بعد از مرگ و روز رفتاخیز اعتقادی ندارند به دار آوخته فندند. حتی فمار بزرگتری به نام "محارب با خدا" به روی چوبه‌های دار رفتند. این اعدام‌های مخفیانه با فتوای پرفر و فدایی که در محکوم فاختن فلمان رفدی به جرم ارتداد - که برافاس ک تعبیر خشکاند شانه از فرعت ک گناه کبیره به فمار می‌رود - مقارن بود. با آن که بسیاری از مردم جهان با تهددی که متوجه جان فلمان رفدی فد افنا می‌دارند ولی کمتر کسی از این حقیقت، که از فلان احکام کهنی م-فبی برای توجیه ک کشتار جمعی بهره‌برداری به عمل آمده، آگاه افته. این مقاله فدفا را دنبال می‌کند. با بهره‌گیری از مصاحبه‌ها و خاطراتی که انتشار افته به تشریح جران تفتیش عقایدی که به محکومیت قربانیان انجامید خوافت پرداخت. (۱)

با رد توجیه فادمانگارانہی "بنیادگرای افلامی" دلالی را که در پشت فحنه‌ی این کشتار وجود دافت تحلیل خوافت کرد. از ادبنا د برد که فلان م-فبیون - که به چنین کشتاری دفت زدند - طی ک دفا مخالفان خود را به جرائمی مانند فورش مسلحانه، خرابکاری، خیانت و جافوفی و حتی "مفسد فی الارض بودن" متهم می‌کردند ولی به احکام پوفیده‌ی مربوط به ارتداد توفل نجسند.

دفت آخر مقاله‌ی حافر در علت اینکه چرا فیچکس در غرب، و بوژہ از میان کارفنانان مسائل ایران به بحث درباره‌ی این اعدام‌ها نپرداخت و حتی ذکر فی از آنها به میان نیافرد کاوش خوافت کرد. این کارفنانان در قبال کسی از برانگیزانندترین رودادفای تاریخ ایران به فکوت کامل رفات دادند. در جران کاوش پیرامون این مساله بر این افتدلال تکیه خوافت فد که در دوران معافر پردیپوفیها و دگرگون‌فازهای خیانتکارانه‌ی فورت می‌گیرد که به مراتب از آنچه که در کتاب رافگشای "اور انتالیسم" اثر ادوارد ففید تشریح فده پر دامنه‌تر افته. این تحرف حقا ق و

گل

Carlos Jose Guadamuz

کارلوس خوزه گواداموز

برگردان : بهروز فیمائی

در بند زندانم گلی فت

در کنجی د دمش
تنها

فمچنان

به عقوبتی گرفتار

او کف فیمانی فخت را فکافت

و با زادنش
مرز ممنوعه را فکست

نه پرندهای د دم

دانه‌های آورده بافد

و نه کسی که
او را در فیاری بکاردو نه حتی قطره بارانی
به فکوفاندش

زاده فد

در فضای منافب
تنهابی‌آنکه کسی
اریاش کرده بافد

با زادنش

د گر بند زندان نیست
فلول

فما نک باغی فت

باغی از گل فرخی تنها

ای ... گل فرخ در بند من

زندانی فیافی

فروز موجود افت. این دادگاه در فال ۱۹۸۴ مسئله‌ی
کشتار ارمنی‌ها را توفط دولت عثمانی مورد قضاوت
قرار داد و آن را جنوفا د به حساب آورد.

بنظر من دولت افلامی ایران، امارت افلامی طالبان،
دولت ترکیه، دولت عراق و بسیاری د گر از دولت‌های
منطقه مرتکب بعضی از این جنات فدهاند: جنوفا د،
پاکسازی قومی، جنر فاد (جنس‌کشی (genderside)،
جنات علیه بشرت، زبان‌کشی (linguicide)، قوم‌کشی
(ethnocide)، و نقص حقوق بشر فدهاند. فران این
دولت‌ها را با د به محاکمه کشید. فم در ارگانهای
مانند «دادگاه دائمی خلق» و فم در ارگانهای بین‌المللی
مانند

و International Court of Justice) حتی اگر به خاطر
منافع قدرتهای فرما به داری غرب از قبیل آمرکا و
اتحادیه اروپا عملاً ممکن نبافد که دولت افلامی ا
افرار طالبان را به محاکمه کشید با د این خوافتها را
مطرح کرد. فمچنین با د خوافت اخراج این افرار را
از مجامع بین‌المللی از قبیل فازمان ملل متحد و ارگانهای
آن، بازهای المپیک، مجامع علمی و ... مطرح کرد و
برای آن مبارزه کرد.

امروز در حدود یک میلیون ایرانی در کشورفای
غرب پراکنده فدهاند. بسیاری از این ا رانیها تبعه‌ی
این کشورفا هستند و از رافهای گوناگون می‌توانند
برای اخراج دولت ایران از این مجامع بین‌المللی افتفاده
کنند.

مردم ایران خودفان در طول بیست و دو فال اخیر
بارفا انزجار خود را از دولت افلامی و د این افلام
آنها ابراز کرده‌اند. از قیام افلام فهر گرفته تا قیام
زنان و حمله‌ی زنان جوان به نیروفای انتظامی برای
ورود به افتاد روم ورزفی در تهران و حضورفان در
آن فضای مردانه و فدفا قیام و مقاومت د گرا
می‌توان نام برد.

بنظر من امروز افلاح طالبان خارج از کشور به مانع
مهمی در راه آزادی مردم ایران تبدل فدهاند. افلاح
طالبان برای مردم ایران نسخه می‌پیچند، مردم را
دعوت به مدارا و مافات با رژیم افلامی می‌کنند.
افلام و حکومت افلامی را بزک می‌کنند و به مردم
به فتوه آمده‌ی ایران تحول می‌دند. اعلام می‌کنند که
مردم از خشونت و خونریزی خسته‌فدهاند و به این
ترتیب مردم را عامل خشونت و خونریزی به حساب
می‌آورند و ا مردم را مسئول خشونت و خونریزی
افرار حزب‌الله می‌دانند.

این مردم فتیزی افلاح طالبان را چگونه می‌توان
توجیه کرد؟ آلترناتیو چیست؟

به نظر من با د با ارتجاع فزش نکرد. با د از یک
قرن فنت مبارزه با افتبداد در ایران الهام گرفت و آن
را ادامه داد. با د مانند انقلابیون دوران مشروطیت
تسلیم ارتجاع نشد. با د فنت دانشجوئی ایران،
فنت فنگر آزادی ... را ادامه داد. با این فنت‌فافت
که امروز می‌توان فنت فکنی کرد. این حرکت نوین
را تنها نیروفای چپ و رادکال با برخورد چپ و
رادکال به گ-فته‌ی خود می‌توانند فروغ کنند. موج
رفرمیسم را با د کنار زد و بر فر خوافت محاکمه‌ی
جمهوری افلامی در دادگافهای بین‌المللی و فرنگونی
این رژیم توافق کرد. خوافت اخراج رژیم از مجامع
بین‌المللی تنها یک قدم در این رافتا افت.

* عنوان مقاله از خاوران است

فرورت محاکمهی رژیم افلامی آران در

دادگافی بینالمللی*

فهرزاد مجاب

در گذشته دولتفا در درون مرزفای خود تنها منبع حاکمیت بودند و مختار بودند که با اتباع خود بهر نحوی که می‌خواهند رفتار کنند.

در فال ۱۹۹۸ کی از جنا تکاران عمدهی دنیای معافر عنی آکوفتو پینوفه توفط ک دادگاه افپانیایی تحت تعقیب قرار گرفت. فم چنین در فالهای اخیر عدمای از مرتکبین جنا ت علیه بشرت در وگسلاوی فابق تحت تعقیب دادگاه بینالمللی قرار گرفته‌اند. با د به آن لیست مرتکبین جنوفا د در رواندا را افافه کنیم.

به نظر حقوقدانان و ناظر ن حقوق بشر آن تحولات دارای اهمیت خاص هستند. اهمیت افافی مسئله در آن افت که دولتهای که ارتکاب جنا ت علیه فهورندان را جزو حقوق خود عنی جزو اختیارات خود می‌دانند از آن حق محروم می‌فوند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند و مجازات می‌فوند.

قبل از ادامهی بحث با د تأکید کنم که من دچار فاده انگاری در مورد آن قوانین بینالمللی نیستم. با د تأکید کنم که آن تحولات در چارچوب نظام بینالمللی کنونی فورت گرفته افت که در آن دولتفای بزرگ فرما هدرای اعمال قدرت می‌کنند. فازمان ملل و ارگانهای که آن نوع جنا تکاران را به محاکمه می‌کشند تحت رفبری آمرکا و اتحادهی اروپا به آن کار اقدام کرده‌اند و می‌دانیم که فازمان ملل خود تشکیلاتی دموکراتیک و غیر وابسته نیست.

اما آن تنها ک جنبهی مبارزهی تاکنونی در عرفهی حقوق بشر افت. در کنار آن قدرت بازیفای دولتفای بزرگ، مردم فتم د دهی دنیا قرار گرفته‌اند که طلب عدالت می‌کنند. علاوه بر میلیونها انسان که تحت فتم قرار گرفته‌اند، حقوقدانان آزاد خواه، وکلای آزاد خواه، فعالین حقوق بشر، فازمانهای مدافع حقوق بشر برای تأمین عدالت واقعی مبارزه می‌کنند.

برای مثال در فالهای ۱۹۷۰ مبارز نی چون برتراند رافل فیلسوف انگلیسی و ژان پل فارتیر فیلسوف فرانسوی و فدفا روفنفر آزاد خواه د گر دو دادگاه به منظور محاکمهی آمرکا تشکیل دادند. در دادگاه اول، دولت آمرکا محکوم به ارتکاب جنا ت جنگی علیه مردم و تنام فد و در دادگاه دوم محکوم به ارتکاب جنوفا د فد. کار آن دادگافها ادامه افت و بصورت «دادگاه دائمی خلق» (Permanent People's Tribunal)

(متن فخرانی کوتاه دکتر فهرزاد مجاب در نشستی در مورد «نقض حقوق بشر در آران» که روز فنبه ۲۸ آور ل ۲۰۰۱ در دانشگاه تورنتو برگزارفد.)

من دربارهی «نقض حقوق بشر» در آران فحبت نمی‌کنم. عملکرد دولت افلامی آران در بیست و دو فال اخیر را نمی‌توان به «نقض حقوق بشر» تقلیل داد. بنظر من رژیم افلامی علاوه بر نقض حقوق بشر به ارتکاب جنا ت علیه بشرت دفت زده افت و با د به فمین اتهام تحت تعقیب قرار گیرد و به مجازات برفد. جنا ت علیه بشرت (crime against humanity) نوعی از جنا ت افت که مانند genocide از قدم فورت گرفته افت اما اول بار در رابطه با امحای ملت ارمنی توفط ترکیه‌ی عثمانی در فال ۱۹۱۵ در اعلامیهی مشترک بر تانیا ، فرانسه و روفیه بکار رفت. اما تعرف دقیق آن افطلاح (جنا ت علیه بشرت) اول بار در میثاق نورمبرگ (Nuremberg Charter) در فال ۱۹۴۵ فورت گرفت که بمنظور محاکمهی مقامات دولت نازی آلمان تدو ن فده بود. در فال ۱۹۹۸ تعرف دقیقتری در نظامنامهی رم در دادگاه جنائی بینالمللی بدفت داده فد .

Rome Statute of the International Criminal Court

بنظر من با توجه به تعارف «جنا ت علیه بشرت» در آن افناد قانونی، می‌توان اقتدلال کرد که علاوه بر نقض حقوق بشر، جمهوری افلامی جنا ت متعددی مرتکب فده افت که در رد ف «جنا ت علیه بشرت» قرار می‌گیرد : قتل عام زندانیان فیافی، کشتار فدفا مخالف فیافی در داخل و خارج از آران، کشتار اقلیت د نی بهائی، کشتار ملیتفا از جمله کردفا، تحمیل آپارتا د جنسی، تجاوز به زنان زندانی، اعدام فمجنسگرا آن، فنگسار کردن زناکاران، فکنجه، تبعید و فریه نیست کردن مخالفان، و د گر اعمال فد انسانی که باعث آفیب جدی به جان و تن مخالفان می‌گردد.

فمچنین با د تأکید کنم که «نقض حقوق بشر»، «جنوفا د» و «جنا ت علیه بشرت» از جمله جنا تاتی هستند که تحت تعقیب قراردادن و مجازات کردن آن از حوزهی حاکمیت (Sovereignty) دولت خارج فده و بطور روزافزون بصورت مسئلهی بینالمللی در آمده افت.

**This page is Replaced with
Page 25 which is page 2 in
Persian**

خورشید را بگو:
در ما
هنوز
خون سحر جوش میزند

خاوران

شماره ۹ تابستان ۱۳۸۰

در این شماره

به کوشش : خسرو خرم‌دین

- ۲ کابوس چند تصویر
- ۳ ضرورت محاکمه‌ی رژیم ...
- ۵ کشتار تابستان ۱۳۶۷
- ۱۳ نسل ستاره ...
- ۱۸ خاطره‌ی آبستره
- ۱۹ روستای درکه
- ۲۰ شکوه انتفاضه ...
- ۲۱ هرگز فراموش نخواهیم کرد

مدیر اجرایی
و : بابک یزدی
صفحه‌آرایی

امور فنی : حمید آفیزی زاده

عکس : احمد نائینی

با سپاس از همیاری حسن ساداتی

ناشر : سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران

Organization for the Defense of Political Prisoners of Iran
(ODPP)

Mailing Address: P.O.BOX 301, STN"D" Toronto, Ontario M9A 4X3, Canada

www.khavaran.com

Email : khavaran@khavaran.com

کابوس چند تصویر*

هرمز متقی

تصویری از آنها در ذفن بسازم در حالی که بالای چوبه‌فای دار خاموفند. نمی‌توانم تصویری از پاان رنج بسازم. در فر روات از گ-فته. ما تاریخ زمان حال را می‌گوئیم. انبوفی از تصاویر ذفنی ا واقعی از آن فال‌فا در ذفن من نقش بسته‌افت. بندفا به نحو اندوه‌باری خالی فده بودند و آنچه باقی مانده بود.

گره‌فا و فاحه‌فای آففته. درخت فرفوده‌ای خالی از برگ بود. و ما دوباره برگشتیم به نوعی انزوا و خاموفی در میان جمع درحالی‌که «خاموفی به فزار زیان در فخن بود» دوباره برگشتیم به گرد درخت فرفوده‌ی تاریخی که مکرر می‌فد. به درون فزار توی معما گونه‌ی آن درخت فرو رفتیم. از کنار ر شه‌فای جامعه‌فناختی حادثه گ-فتیم و دم که «ا ده» - مفافیمی که با آن واقعیت را می‌فنجیم - «زندگی» را متلافی می‌کند و آن‌گونه خود را و ران می‌فازد. به لحظه‌ای دردآور و به رنگ خون ناگهان «ا ده» و «زندگی» فمگون فده بودند. حال تمام آن خانه‌فای فنی که فخت واقعی می‌نمودند و واقعی فم بودند از پیش منظر فرو می‌رختند. انگار تمام تاریخ گ-فته به نحو فشرده‌ای به نماش درآمده. در ک مصاف نابرابر. نیروفای متعارض ا فمگون پوفت و گوفت فمد گر را می‌در دند. مجال رجعتی بود به تاریخ درفالی که با «آرزو» محو نمی‌فد. و نسلی که در آن تاریخ فرکت ندافت ولی به نحو اجتناب ناپ-ری از آن برآمده بود در قربانگاه قتل عام می‌فد.

* نرفته‌ی بالا بخشی از مقاله است که اولین بار در نقطه‌ی فماره‌ی ۶ با عنوان «پس از ۶۷» چاپ فده افت.

داقتان فولناک قتل عام زندانیان در فال ۶۷. در حالی که اکثر آنها بعد از اتمام جنگ امید آزاد فدن در فر دافتند. چنان رقت انگیز افت که من پس از آن نمی‌توانم از فنیند نام «جمهوری افلامی» احساس تهوع نکنم. انبوه دمپای‌فای که جلو حسینیه بزرگ زندان گوفردفت روی فم رخته‌اند و بوی جسد تنها دو نشانه از رنجی افت که کل «خوش بینی» مارکسیستی مرا ز ر و رو کرد: اگر تا به آن فال چیزی از آن به جا مانده بود. بارفا و بارفا تصویر ذفنی زندانیانی را که می‌فناختم می‌بینم در حالی که در تقلا ند که به فئوالهای مسخره‌ی قافی فرج جوابی بدفند که فم زنده بمانند و فم چیزی. نشانی از مقاومت در آن بافد. ناباوری‌فان را می‌بینم وقتی که به حسینیه برای دار زدن برده می‌فوند: گروفی می‌گرند. گروفی دفنام می‌دند و فمه می‌لرزد اما لرزش خود را مخفی می‌کنند. برخی لبخند می‌زنند. نومیدانه. و انتظار لحظه‌ی آخر را می‌کشند. بعضی از نگهبانها در اجرای حکم اعدام با فم رقابت می‌کنند تا ثواب بیشتری ببرند. گروه کمتری از آنها از مشافده‌ی آن فمه جسد احساس بی‌تابی و درد می‌کنند. برخی از زندانیان می‌جنگند. حمله می‌کنند و به فدت کتک می‌خورند. مرافم اعدام به فرعت اجرا می‌فود. آخر ن فجه‌فای مرگ خاموش می‌فود و نمی‌دانم چرا نمی‌توانم



خاوران

شماره ۹ تابستان ۱۳۸۰

خاوران تنها گورستان دسته جمعی ایران نیست؛ شناخته ترین آنها است

فصلنامه‌ی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران

با آثاری از:

یرواند آبراهامیان

حسن پویا

مهین روستا

بهروز سیمائی

کامیار کریمی

کارلوس خوزه گواداموز

هرمز متقی

شهرزاد مجاب

عبدی هزارخانی



تو در نماز عشق چه خواندی؟
که سالهاست
باکی دار رفتی و این شهنه‌های پیر
از مرده‌ات هنوز
پرهیز می‌کنند.

«شفیعی کدکنی»

دو نامه از زندان ...

تاریخ ۶۳/۰۰/۰۰ .. یک نیمه فب

...جان پسر کوچکم فلام فب از نیمه گ-فته، فکوت مطبوعی بر بند حاکمه، به تو فکر می‌کنم، تو که می‌دانم از دفتت خوافم داد. چشم‌فام را می‌بندم و تو را با آن نگاه آرامت، نگافی که فمچون در چه‌ای افت به دنیای نافناخته‌ی درونت، در مقابلم می‌بینم و فدای گرمت را می‌فنوم که با زبان فیرن و کودکانه‌ای قول می‌دفی که باز به دندم بیائی. پسر عز زم تو بزرگ می‌فی، فرکجا که بافی، چه من باقم و چه نبافم، چیزی که مهمه آنه که با د ادبگیری در فرکجا خود انتخاب کنی چگونه بودنت را، زندگی‌ت را و آن چه را که می‌خوافی. از فر زمان که فهمیدی و آگاه فدی به آنچه که می‌خوافی، دگر جائی برای درنگ نیست. ... دلم می‌خوافد که بازفم کد گر را ببینم با آن امید که فام پیوندی را که دورادور بینمان برقرار می‌فود کسی نتواند به فادگی از فم باز کند. دوفت دارم تنگ در آغوفت بگیرم و به فینه‌ام بفشارم تا جزئی از فم فوم آنگاه که فیچ دفتی نتواند ما را از فم جدا کند.

مادرت که همیشه دوفتت دارد.

به امید د دار

.....

تاریخ : ۹۶/۰۰/۰۰ ... فاعت یک بعد از ظهر

... جان عز زم فلام، حالت چطور؟ دلم می‌خوافد که خوب بافی، من فم خوبم، امروز فبح وقتی توی فلول قدم می‌زدم به ملاقاتی که تو آمدی آن طرف فکر می‌کردم، چقدر خوب بود. می‌دانی فلول من پنجره‌ای داره که یک تکه از آفمان دده می‌فه. آفمان آبی خوش‌رنگیه. رنگ لطافت و پاکی، رنگ خنده‌فای تو، رنگ برق چشم فمه‌ی آدمهای خوبه. وقتی به آن نگاه می‌کنم دلم باز می‌فه. دلم می‌خوافد تو و فمه‌ی آن آدم‌فارا بغل کنم و بیوفم. دلم می‌خوافد دفتت را توی دفتم بگیرم و دور دنیا را بگردم. به فمه جا به فمه‌ی خانه‌فام و کوچه‌فام فر بکشیم، آدم‌فای خوب را پیدا کنیم، دفت آن‌فام را بگیرم تمام جدای فام، دردفا و ناراحتی فام را از بین ببرم و جاش فدای بیارم، خنده بیارم، خنده فای قشنگ مثل فمین آفمان آبی. عز ز دل از آن که درس فافت را خوب می‌خوانی خوفحالم. به فمین خوبی و جدت به درس خواندن و کتاب خواندن ادامه بده، حتا از آن فم بهتر، تو با د خودت را آماده کنی تا وقتی بزرگ فدی بتونی از فمه چیز آن دنیا فر دربیاری. چند تا تیکه ابر ففید از بالای فرم دارند رد می‌فوند به آن‌فام می‌گم تا از طرف من تو را بیوفند. فر وقت باران آمد و به فورتن خورد من فورتن را می‌بوفم.

قربانت مادرت..

* بر گرفته از کتاب زندان (جلد دوم) به و ر افتاری نافر مهاجر که بتازگی منتشر فده افت .